

برساخت اجتماعی پدیده کولبری در مناطق مرزی غرب ایران  
(واکاوی زیست جهان انتقادی کنشگران محلی در شهرستان بانه)  
موسی عنبری<sup>۱</sup> و سیروان عبدهزاده<sup>۲\*</sup>

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۰/۱۵ تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۴/۰۸

چکیده

در چند دهه گذشته، به دلیل غلبه ایدئولوژی توسعه رشد محور و نظام نئولیبرالیستی، دولت‌ها از کارکردهای بازتوزیعی خود عقب‌نشینی کرده و حمایت از تهی‌دستانِ طردشده را فرو گذاشته‌اند. در ایران نیز، به اقتضای نظام نئولیبرال و تمرکزگرایی سیاسی-اقتصادی دولت، فقر، به‌ویژه در مناطق حاشیه‌ای و مرزی، افزایش یافته است. از آنجاکه کولبری مصداق فقر در مناطق مرزی است و تاکنون پژوهش‌های جامعی در باب دلایل شکل‌گیری آن صورت نگرفته است، در پژوهش حاضر، با استفاده از روش قوم‌نگاری انتقادی، به علت‌های پیدایش این پدیده، با توجه به زیست جهان انتقادی کنشگران مرزی، پرداخته شده است. جامعه مورد مطالعه، مرزنشینان شهرستان بانه هستند که با روش نمونه‌گیری هدفمند و گلوله‌برفی ۲۵ نفر از افراد مطلع و درگیر در پدیده کولبری به‌عنوان نمونه انتخاب شده‌اند. یافته‌ها به روش تحلیل زمینه‌محور و کدگذاری باز و محوری، در دو سطح توصیفی و تحلیلی بیان شده‌اند. در سطح توصیفی، به تاریخچه کولبری و شکل‌های گوناگون آن پرداخته شده و در سطح تحلیلی، با استناد به نظر پاسخگویان، ۵۲ عبارت، ۳۲ مفهوم و ۷ مقوله محوری به این شرح به دست آمده است: فقر اقتصادی و نبود منبع درآمد جایگزین؛ احساس تبعیض ساختاری؛ جبر محیطی و ضعف اشتغال صنعتی، کشاورزی و گردشگری؛ بازتولید جبری مرز؛ عقب‌نشینی دولت در حمایت از فقرا؛ رایج شدن سرمایه‌داری رانتیر در نبود سرمایه‌داری صنعتی؛ احساس طرد اقتصادی و فرهنگی. مطابق یافته نهایی، پدیده کولبری محصول انتخاب مرزنشینان غرب کشور بوده، بلکه به واسطه عوامل پیش‌گفته برساخت شده است.

**واژگان کلیدی:** زیست جهان انتقادی، کولبری، غرب ایران، مناطق مرزی، شهرستان بانه.

\*مقاله علمی - پژوهشی، مستخرج از رساله دکتری جامعه‌شناسی توسعه با عنوان «مطالعه جامعه‌شناختی فقر در مناطق مرزی کردنشین»، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.

۱. دانشیار گروه توسعه دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران. [anbari@ut.ac.ir](mailto:anbari@ut.ac.ir)

۲. دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی توسعه، دانشگاه تهران (نویسنده مسئول). [sirwanabdezhadeh@ut.ac.ir](mailto:sirwanabdezhadeh@ut.ac.ir)

## **Social construction of Kolbari phenomenon In the Border Areas of Western Iran (Exploring the Critical Life World of Local Activists in Baneh County)**

Musa Anbari<sup>1</sup>, Sirwan Abdezadeh<sup>\*2</sup>

Received: June 28, 2020

Accepted: January 4, 2021

### **Abstract**

In the past few decades, governments have ignored their redistributive functions due to growth oriented development ideology and neoliberal system and have quitted support of rejected poor people. In Iran, poverty has increased especially in the marginal and border areas, due to the neoliberal system and the political-economic centralism of the government. Since the Kolbari indicates poverty in border areas and so far no comprehensive research has been done about the causes of its formation. In this research, using critical ethnography method and considering the critical biosphere of border activists, we have addressed the causes of this phenomenon. The Research Society of this study consists of 25 informed people involved in the Kolbari phenomenon in the border city of Baneh that was selected by purposive sampling and Snowball method. The findings are expressed in both descriptive and analytical levels by Context-Based Analysis and Open and Central Coding. At the descriptive level, Kolbari's history and its various forms are discussed and at the analytical level, according to the respondents, 52 phrases, 32 concepts and 7 central categories have been obtained as follows: Economic poverty and lack of alternative sources of income, Feeling of structural discrimination, environmental constraint and the weakness of industrial employment, agriculture and tourism, construction of border, the withdrawal of government support for the poor, rental capitalism in the absence of industrial capitalism, Feeling of economic and cultural exclusion. According to the final finding, the Kolbari phenomenon is not the result of border residents' selection in the west of the country, but is formed by the mentioned factors.

**Keywords:** Critical Life World, Kolbari, Border Areas, West of Iran, Baneh City.

---

1. Associate Professor of Sociology, Faculty of Social Sciences, University of Tehran. anbari@ut.ac.ir

2. Phd Student of Sociology, Faculty of Social Sciences, University of Tehran.

sirwanabdezadeh@ut.ac.ir

## مقدمه و بیان مسئله

ابتدای قرن بیستم، برنامه‌ریزان اقتصادی، به دنبال دستیابی به رونق اقتصادی و رفاه مردم سرزمین خود، خواهان پذیرش و اجرای «توسعه مبتنی بر الگوی عقلانیت تک‌سبب‌بین، غرب‌مدار و منحصربه‌فرد تاریخی اروپای غربی شدند و قرار بر آن شد که به‌مدد این الگوی خوش‌نام غربی، جهان و جهانیان از رنج توسعه‌نیافتگی رهایی یابند» (نارایان و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۵). در این میان، کشورهای جهان‌سوم نیز، به امید رهایی از چنگال فقر و توسعه‌نیافتگی، به این الگوی مسلط جهانی روی آوردند و این ایدئولوژی چنان رونق گرفت که سیاستمداران کشورهای پیش‌گفته، سیاست‌ها و برنامه‌های بسیاری را برای پیشبرد این الگو به‌کار گرفتند. پس از طرح رویکردهای انسان‌محور و تمرکز بر توانایی‌های انسان، بعد از دهه ۱۹۹۰ و آغاز هزاره جدید، آثار زیان‌بار توسعه که بر الگوی رشد اقتصادی و اقتصاد نئوکلاسیک استوار بود، پدیدار شد (عنبری، ۱۳۹۰؛ نارایان و همکاران، ۱۳۹۰). با استناد به «گزارش سالانه برنامه توسعه سازمان ملل متحد، با اینکه فقر نسبت به گذشته کاهش یافته است، هنوز بیش از ۲/۲ میلیارد نفر در جهان با ابعاد چندگانۀ آن درگیرند؛ به‌این‌معناکه ۱۵ درصد مردم دنیا در برابر فقر آسیب‌پذیر باقی‌مانده‌اند و حدود ۱۲ درصد از گرسنگی رنج می‌برند» (گزارش توسعه سازمان ملل متحد، ۲۰۱۴).

امروزه، غلبه نظام نئولیبرالیستی در جهان، به عمق و شدت بیشتر فقر منجر شده و کوچک‌ترین لایه‌های زندگی را در دورترین مناطق متأثر کرده است. سران اقتصاد سرمایه‌داری جهان، دولت‌های گوناگون را در دنیا به‌خدمت گرفته‌اند و با ایجاد سلسله‌مراتب مرکز-پیرامون-نیمه‌پیرامون، مرزهای سیاسی-اقتصادی را زیر سیطره تقسیم‌بندی فضایی با آرایش ویژه‌ای برساخته‌اند (لوفور، ۱۳۹۵: ۵۳-۵۴). به‌این‌ترتیب، نظام تولید قدرت و سرمایه در مرکز، در سطح ملی و بین‌المللی، در تولید و بازتولید فرودستی و حاشیه‌نشینی نقش مؤثری ایفا کرده است؛ درعین‌حال، از توجه به نقش حاکمیت‌های ملی (به‌خصوص دولت-ملت‌های مدرن در جهان‌سوم) نیز نباید غافل ماند که با پیروی از الگوی قطب‌های رشد و مرکز-پیرامون، نابرابری منطقه‌ای را افزایش داده و تفاوت‌های قومی-فرهنگی را سیاسی کرده‌اند.

از زمان تأسیس دولت ملی تاکنون، تمام شاخص‌های توسعه اقتصادی-اجتماعی در مناطق مرزی غرب ایران، مطابق آمارهای رسمی ذکرشده در ادامه مقاله، به حالت منفعل و دوره‌ای

1. UNDP  
2. Lefebvre

درآمده است. این منطقه، از زمان شکست امپراتوری عثمانی و شکل‌گیری دولت-ملت مدرن تاکنون، با فقر و نابرابری متأثر از اقتصاد سیاسی فضا (پیران، ۱۳۷۰: ۷۸)، و تولید مرز همراه با سیاسی‌شدن تفاوت‌های اجتماعی-فرهنگی درگیر بوده است. به دنبال منطق تمرکزگرایی در اقتصاد و سیاست و حرکت از مرکز به حاشیه، فقر، بیکاری، نابرابری و تفاوت حاصل از دیالکتیک مرکزیت افزایش می‌یابد. محققان در پژوهش‌های گسترده (فیض‌آبادی و ملکی، ۱۳۹۴: ۷۷-۷۸؛ محمودی، ۱۳۷۰؛ علینقی، ۱۳۷۸؛ آقاجانیان، ۱۹۸۳) استان کردستان را در رتبه‌های پایین توسعه‌یافتگی (رتبه ۲۹ در بین ۳۱ استان کشور) اقتصادی-اجتماعی و بحران کیفیت زندگی قرار داده‌اند. طبق آمار رسمی سال ۱۳۹۶، میزان بیکاری نیز ۱۳/۷ بوده است (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۶). ساکنان این مناطق، در غیاب توجه دولت به زیرساخت‌ها و بازتوزیع ثروت و منابع، کوشیده‌اند تا از موقعیت مرزی برای تأمین معاش استفاده کنند و در برابر فشارهای ساختاری رسمی-سیاسی، راه‌های جدیدی در پیش بگیرند؛ یکی از این راه‌ها به‌منظور امرارمعاش در مناطق مرزی غرب کشور، کولبری است. با بررسی میدانی و توجه به تجربه زیسته پژوهشگر، شناخت عوامل مؤثر بر پیدایش پدیده کولبری در مناطق مرزی غرب کشور، که برساخته‌ای اجتماعی است، هدف اصلی مقاله حاضر است. پس، باتوجه به آنچه ذکر شد، پرسش اصلی پژوهش این است که کدام عوامل و زمینه‌ها در پیدایش پدیده کولبری در مناطق مرزی غرب ایران مؤثر بوده‌اند؟

### قالب مفهومی و پیشینه پژوهش

از آنجاکه کولبری نمایش فقر در مناطق مرزی غرب کشور است، لازم است پیشینه تجربی و مفهومی فقر در پیوند با موضوع پژوهش حاضر مرور شود. در مطالعات اولیه درباره فقر، بیشتر بر جنبه‌های اقتصادی آن تأکید شده و فقر مفهومی صرفاً درآمدی (جورج، ۱۹۸۸؛ باراتز<sup>۱</sup> و گرگسی،<sup>۲</sup> ۱۹۷۱؛ نارایان و همکاران، ۱۳۹۰؛ اسپیکر،<sup>۳</sup> ۲۰۱۵) پنداشته شده است. به‌تازگی، برخی از پژوهشگران، مانند چمبرز (۱۳۸۷)، کبیر (۲۰۰۰)، و سن (۱۳۹۴)، به عوامل اجتماعی فقر نیز توجه کرده و از تقلیل این مفهوم به مؤلفه‌های صرفاً اقتصادی پرهیز کرده‌اند و آن را با

---

1. Baratz  
2. Grigsby  
3. Spicker

مفاهیمی از قبیل: علّیت تراکمی، طرد، فقدان امنیت و فقدان توانمندی یا قابلیت معرفی کرده‌اند. از دهه ۱۹۹۰ به بعد، اندیشه نئولیبرال معنای جدیدی به فقر بخشید و این تصور را که بازار جایگزینی ندارد، بر بسیاری از مردم جهان تحمیل کرد. به باور لوفور، اقتصاد جهانی سرمایه‌داری، از طریق بازنمایی‌های فضایی<sup>۱</sup> و پرکتیس‌های مرتبط با آن، نظام سلسله‌مراتبی مرکز-پیرامون و نیمه‌پیرامون را در سطح جهان گسترده و مرزهای سیاسی و اقتصادی را متأثر از این تقسیم‌بندی فضایی ویژه بر ساخت (لوفور، ۱۳۹۵: ۵۳-۵۴). به این ترتیب، نظام تولید قدرت و سرمایه در مرکز، در تولید و بازتولید فرودستی و فقر نقش مهمی ایفا کرده است.

پذیرش نئولیبرالیسم، وضعیت دولت‌های مدرن اقتدارگرا را در کشورهای در حال توسعه و توسعه‌نیافته توضیح می‌دهد. به تعبیر لوفور، شکل تازه تجدید ساختار دولتی پس از دهه ۱۹۷۰ را در حمله به کارکردهای بازتوزیعی دولت، همراه با تشدید جنبه‌های تولیدگرایانه و کلاس‌شویه تولید دولتی و نقش آن در ترویج، تأمین مالی و مدیریت رشد سرمایه‌داری، می‌توان دید. به عبارت دیگر، افزایش نقش دولت در توسعه قدرت‌های تولیدی سرزمینی و تولید پیکربندی‌های جدید فضایی، قطع ارتباط روزافزون تولیدگرایی دولتی با راهکارهای بازتوزیع اجتماعی، تقویت تاریخی پاسخگویی دموکراتیک و تعمیق توسعه جغرافیایی نامتوازن در داخل سرزمین‌های ملی، شکل جدید و نئولیبرال شیوه دولتی تولید است (برنر، ۱۳۹۶: ۳۳۲-۳۳۳).

کشورهای در حال توسعه یا توسعه‌نیافته، با استفاده از ایده‌های نئولیبرال و فاصله گرفتن از کارکردهای بازتوزیعی خود (صادقی، ۱۳۹۷: ۱۱)، روزه‌روز نابرابری در جامعه را افزایش می‌دهند و عده زیادی از افراد فاقد توانمندی، که از حمایت دولت محروم‌اند، به ناچار، برای ادامه زندگی به خود تکیه می‌کنند و از هیچ‌گونه حمایت قانونی و حقوقی برخوردار نیستند. پارادایم «وضعیت استثنائی» آگامبن گویای وضعیت پیش‌گفته است که به موجب آن، حاکم، قانون را «استثنائاً» و «موقتاً» در قبال گروه‌هایی از افراد به حالت تعلیق درمی‌آورد، اما زور عریان آن را حفظ می‌کند (آگامبن، ۱۳۹۷: ۷-۸).

پیروی از «دیالکتیک مرکزیت» و «تولید فضا»ی لوفور، همراه با پدیده «استعمار داخلی» هشتر<sup>۲</sup>، از زمان تشکیل دولت-ملت مدرن تاکنون، فضایی را بر ساخته که تمام شاخص‌های

۱. بحث لوفور درباره فضا، بر یک چرخش فضایی استوار است که از جغرافیا، تاریخ و نشانه‌شناسی بهره گرفته و با فرایندهایی از قبیل جهانی‌شدن، شهری‌شدن و نظام سرمایه‌داری پیوند یافته است.

توسعه اجتماعی-اقتصادی و سیاسی مناطق مرزی غرب کشور بر مبنای تفاوت‌های قومی-مذهبی در آن زایل شده است. به گفته لوفور، با فهمیدن اهمیت فضا و نمودهای آن با سه عنوان درک‌شده، تصور شده و زیست‌شده، از اقتصاد سیاسی مارکس فراتر می‌رویم، بی‌آنکه رویکرد انتقادی به سرمایه‌داری را کنار بگذاریم (لوفور، ۱۳۹۵: ۱۹-۲۲). فضا همزمان پراکنش فضایی (محیط مادی بیرونی شده)، بازنمایی فضا (مدلی مفهومی که برای هدایت پراکنش به کار گرفته می‌شود) و فضای بازنمایی (رابطه اجتماعی زیست‌شده کاربران با محیط) است (گاتدینر<sup>۱</sup>، ۱۳۹۵: ۲۰). رویکرد او، تحلیل جغرافیایی، تاریخی و نشانه‌شناسی را در هم می‌آمیزد و از این راه در فروکاست‌گرایی نمی‌افتد. او بر این موضوع تمرکز می‌کند که جوامع گوناگون چگونه در طول زمان از فضایی خاص شده در شکل و نیز در معنا برخوردار می‌شوند. لوفور این کار را با تمایز گذاشتن بین فضای انتزاعی و فضای اجتماعی انجام می‌دهد. فضای انتزاعی از برخورد دانش و قدرت شکل می‌گیرد. این فضا، فضایی سلسله‌مراتبی است و به آن‌هایی مربوط است که خواهان کنترل سازمان‌دهی اجتماعی‌اند؛ از جمله: حکمرانان سیاسی، شرکت‌های اقتصادی و برنامه‌ریزان. در مقابل، فضای اجتماعی برآمده از پراکنش است؛ تجربه زیسته روزمره‌ای که در نتیجه کنش تمام اعضای جامعه از جمله حکمرانان، بیرونی و مادی می‌شود. آن‌هایی که از مدل فضای انتزاعی استفاده می‌کنند، پیوسته می‌کوشند تا بر فضای اجتماعی زندگی روزمره با تغییرات همیشگی‌اش حاکم شوند و آن را کنترل کنند، درحالی‌که فضای اجتماعی همواره از مرزهای تصور شده و شکل‌های تنظیم‌شده/ برنامه‌ریزی‌شده فراتر می‌رود (همان). تولید فضا به واسطه دیالکتیک مرکزیت متأثر از گفتمان توسعه بوده و طبق آن، مرکزیت گرد می‌آورد، می‌پراکند و هم‌زمان که یک‌دست می‌سازد، تفاوت را نیز گسترش می‌دهد. به عبارت دیگر، فضای اجتماعی بر مبنای فراوانی فضا برای ثروتمندان و کمیابی شدید آن برای فقرا و گسترش نابرابری استوار است. «در فضای تولیدشده در ایران، ما با تبعیض و نابرابری‌های اقتصادی مرکز-پیرامونی مواجهیم که در آن افراد براساس سطح برخورداری از مزیت مذهب و قوم حاکم، میزان دسترسی متفاوتی به امکانات و تسهیلات رفاهی و توسعه‌ای دارند و مناطق حاشیه‌ای، که اغلب اقلیت‌های مذهبی و قومی در آن حضور دارند، دچار نوعی تبعیض ساختاری شده‌اند» (آقاجانیان، ۱۹۸۳). هشتر با بیان مفهوم «استعمار داخلی»، بهترین توصیف را از این وضعیت

---

1. Gottdiener

ارائه می‌دهد. به‌باور او، وجود شکاف‌های قومی انعکاسی از سلطه امپریالیستی یک گروه قومی بر دیگر گروه‌هاست که از طریق نهادهای بوروکراتیک و دولتی تحکیم می‌شود (هشتر، ۱۹۷۵). نکته مهم در استفاده از این مفهوم این است که با به‌کارگیری راهبرد «غیریت‌سازی»، تمام ویژگی‌های انسانی افراد استعمارشده انکار می‌شود و آنها «دیگری» به‌شمار می‌آیند (شاهمیری، ۱۳۸۹: ۱۱۰). یکی از نظریه‌های مهم در زمینه برساخت اجتماعی واقعیت، تئوری برگر و لاکمن می‌باشد. در واقع توجه به حوزه بینادهنیت و اینکه واقعیت زندگی روزمره به صورت دنیای مشترک در ذهن (یعنی دنیایی که من در دنیای واقعیت با آن با دیگران شریکم) (برگر و لاکمن، ۱۳۹۲: ۳۸) می‌تواند فرایند شکل‌گیری برساخت مرز با توجه به واقعیت روزمره مرزنشینان را شرح دهد، اما در عرصه نهادسازی و تأثیر واقعیت اجتماعی برونی شده در حوزه فرهنگ و نهادها، این تئوری توان تحلیل را ندارد، به‌این دلیل که واقعیت نهادی موجود از ساختاری سلسله‌مراتبی پیروی می‌کند که برساخت فرهنگ سیاسی حاکم در مرکز است و حاشیه این نهادها را از طریق فعالیت‌های خود برنساخته است. هرچند این نهادها با واقعیت و کنش کنشگران تعامل دارند، اما برساخت کنش کنشگران مرزی نیستند و همان‌گونه که فوکو می‌گوید گفتمان حاکمی‌اند که دولت خود آن را بازسازی کرده است و بر زندگی هر روزه مرزنشینان تأثیرگذار است..

در ادامه، به پیشینه تجربی پژوهش و مهم‌ترین یافته‌ها در پیوند با موضوع مطالعه پرداخته‌ایم. مرور پژوهش‌های خارجی و داخلی روشن کرد که تاکنون پژوهشی که مستقیماً به موضوع مطالعه حاضر پرداخته باشد، انجام نشده است و پژوهش‌های این حوزه، صرفاً ابعادی از موضوع را مطالعه کرده‌اند. پدیده «کولبری» خاص مناطق مرزی غرب کشور است و در مناطق مرزی دیگر ایران و بقیه کشورهای، ذیل نام‌های دوش‌بری، دوک‌بری و... از آن یاد شده است. نکته دیگر اینکه، با توجه به اهداف تعیین شده و نیز بینش پژوهشگر، از ذکر تمام مطالعات مربوط به فقر اجتناب شده و فقط پژوهش‌هایی هدف نقد و مرور قرار گرفته‌اند که با پژوهش حاضر قرابت موضوعی تنگاتنگ دارند.

پژوهشگران تجربی در زمینه فقر و توسعه‌نیافتگی در مناطق مرزی خارج از ایران (مولنار،<sup>۱</sup> ۲۰۰۵؛ بوجان<sup>۱</sup> و همکاران، ۲۰۱۷؛ برگمن<sup>۲</sup> و همکاران، ۲۰۰۸؛ هیرشمن،<sup>۳</sup> ۲۰۱۶؛ نکورویی،<sup>۴</sup>

۲۰۱۵؛ سیکدر<sup>۵</sup> و سرکار<sup>۶</sup>؛ ۲۰۰۵؛ آسنته<sup>۷</sup>؛ ۲۰۱۲؛ موتانی<sup>۸</sup>، ۲۰۱۳) بیشتر به معیشت و رفاه کنشگران مرزنشین پرداخته‌اند و به بهبود وضعیت اقتصادی، شیوه‌های تجارت مرزی و دشواری‌های آن برای مرزنشینان توجه کرده‌اند؛ بنابراین، شاخص‌های سیاسی-اجتماعی منجر به فقر بعد از گسترش نظام نئولیبرالیستی، در مطالعات خارجی بررسی شده، مغفول مانده است. روش بیشتر این پژوهش‌ها، کمی و پیمایشی است و به ذهنیت افراد مرزنشین، فهم آنها از زندگی روزمره و علت گرفتاری آنها در وضعیت حاکم اشاره‌ای نشده است. تقریباً، در همه پژوهش‌های تجربی خارجی، عبور از مرز و نادیده گرفتن قوانین مرزی، حتی برای امرارمعاش، خط قرمز دولت‌ها و سیاست‌گذاران وقت تلقی شده و اگر مرزنشینان از قوانین مرزی تخلف کرده باشند، با برچسب‌هایی چون قاچاقچی، خاطی و... ارزیابی شده‌اند. با بررسی پژوهش‌های ذکرشده، دریافتیم که دولت‌های امروزی، مسائل امنیتی-سیاسی خود را در مناطق مرزی بر امرارمعاش و تأمین خواسته‌های رفاهی مرزنشینان ترجیح داده‌اند و از توده‌های فقیر و به‌حاشیه‌رانده شده چشم پوشیده و رفاه مردم فقیر را به سازوکار بازار واگذاشته‌اند. چنین سیاستی، مرزنشینان را به سوی تجارت غیرقانونی و فعالیت‌های کاذب پرخطر سوق داده است.

تاکنون، دو دسته پژوهش داخلی درباره مرز و تجارت مرزی با روش کمی و کیفی یا ترکیبی در مناطق مرزی مختلف ایران انجام گرفته است: دسته اول، از جمله: پژوهش‌های ذکایی و نوری (۱۳۹۴) و امیرپناهی (۱۳۹۳)، بر پیدایش مرزها و زندگی در مناطق مرزی تأکید کرده‌اند؛ و دسته دوم، شامل: پژوهش‌های سلطانیان و مفاخری باشماق (۱۳۹۸)، قادری حاجت و همکاران (۱۳۸۹)، اسماعیل‌زاده (۱۳۸۷)، محمودی (۱۳۸۱)، شرافت و یاری (۱۳۹۱)، باینگانی (۱۳۹۴)، و عبده‌زاده (۱۳۹۲)، اقتصاد مرزی و آثار رفاهی بازارچه‌های مرزی را بر زندگی مرزنشینان تبیین کرده‌اند. در همه این پژوهش‌ها، به دلیل غلبه کلان‌نگری اقتصادی و امنیتی به مرز و تجارت مرزی، نحوه برساخت اجتماعی مسئله کولبری در نظرگاه مرزنشینان و نقش آن‌ها در تبیین

1. Bojan
2. Bergmann
3. Herchner
4. Nkoroie
5. Sikder
6. Sarkar
7. Asante
8. Mutoni



مسئله نادیده گرفته شده است. علاوه بر این، تاکنون، پژوهش‌های جامعی درباره کولبری، به‌منزله نمایش عینی فقر و بسترهای آن، از منظر درک و فهم کنشگران محلی، صورت نگرفته است. از همین رو، پژوهش حاضر به دنبال دستیابی به چنین دیدگاهی است.

### روش تحقیق

منطق تبیین پژوهش حاضر بر پارادایم برساختی و تفسیری استوار است و به‌منظور مطالعه گروه‌های حاشیه‌ای در محیط طبیعی و تعامل حداکثری با آن‌ها، از روش قوم‌نگاری انتقادی<sup>۱</sup> استفاده شده است. قوم‌نگاری انتقادی نوعی شیوه پژوهش کیفی است که علاوه بر ممکن ساختن مطالعه و درک جامعه برای پژوهشگر، از طریق روش انتقادی، امکان تغییر جامعه مورد نظر را نیز فراهم می‌کند. قوم‌نگاران انتقادی با بررسی قدرت، وجهه، امتیازها و اقتدار، فرهنگ مورد نظر را می‌آزمایند (کرسول،<sup>۲</sup> ۲۰۰۷)؛ بنابراین، قوم‌نگاری انتقادی هم به‌مثابه فرایند<sup>۳</sup> و هم به‌منزله اثر<sup>۴</sup> تعریف می‌شود (کاگلین،<sup>۵</sup> ۲۰۱۲: ۳؛ کاستانگو،<sup>۶</sup> ۲۰۱۲: ۳۷۴؛ توماس،<sup>۷</sup> ۱۹۹۳: ۳).

امروزه، تقریباً هیچ تجربه زیسته‌ای از فرایندهای اعمال قدرت جدا نیست و همه تجربه‌های افراد در قالب روابط نظام‌مند و ساختاری فهمیده می‌شود. پس از انتخاب محلی برای مطالعه، تصمیم بعدی قوم‌نگار این بود که چه کسی و چه موضوعی مطالعه شود. در اینجا، ابتدا، طبق نظر فترمن، «رویکرد تور بزرگ»<sup>۸</sup> انتخاب شد و با استناد به آن، به تدریج مشخص شد که چه موضوعی و چه کسی در کدام محل باید مطالعه شود (کرسول، ۱۳۹۶: ۱۵۷). سپس، تلاش شد تا محیط‌ها، کنشگران، افراد و اسنادی انتخاب شوند که اطلاعات مفید و جامعی درباره کولبری، به‌مثابه نماد فقر در مناطق مرزی، به دست دهند. از این رو، جامعه پژوهش حاضر را مرزنشینان شهرستان بانه در استان کردستان تشکیل می‌دهند و حجم نمونه، با توجه به سطح اشباع نظری، ۲۵ نفر از افراد درگیر در پدیده کولبری (از قبیل کولبران، مسئولان نهادهای مرتبط با مناطق مرزی و

- 
1. Critical Ethnography
  2. Creswell
  3. Process
  4. Product
  5. Coughlin
  6. Castagno
  7. Thomas
  8. Big Net Approach

دیگر مرزنشینان، شامل معتمدان و نخبگان ساکن در شهرستان بانه) با شیوه نمونه‌گیری هدفمند و گلوله‌برفی انتخاب شدند.

جدول ۱. مشخصات افراد مصاحبه‌شونده و مدت مصاحبه با آنان

شماره	نام	سن	تحصیلات	شغل	محل سکونت		مدت مصاحبه (دقیقه)
					شهر	روستا	
۱	کمال	۳۲	فوق‌دیپلم	پيله‌ور	بانه	-	۶۰
۲	مصطفی	۳۷	دیپلم	پيله‌ور	بانه	-	۴۰
۳	ملا باقی	۵۵	حوزوی	روحانی	-	بژی	۳۰
۴	لقمان	۳۷	دیپلم	حق‌السعی	-	زله	۶۰
۵	محمد	۷۵	بی‌سواد	کشاورز	-	زله	۶۰
۶	وهاب	۲۲	سیکل	پيله‌ور	-	بوالحسن	۳۰
۷	عبدالله	۵۰	کارشناس ارشد	کارشناس استناداری	-	-	۳۰
۸	مظفر	۲۸	کارشناس ارشد	دانشجو	-	که‌ویچ	۴۵
۹	فردین	۱۸	راهنمایی	کولبر	بانه	-	۳۰
۱۰	رزگار	۲۵	سیکل	کولبر	بانه	-	۲۰
۱۱	سیوان	۲۲	ابتدایی	کولبر	بانه	-	۳۰
۱۲	مه‌ژار	۲۲	راهنمایی	کولبر	بانه	-	۲۵
۱۳	عبدالله	۳۲	دیپلم	کولبر	بانه	-	۳۵
۱۴	مبین	۱۹	سیکل	کولبر	بانه	-	۲۵
۱۵	آزاد	۲۳	راهنمایی	کولبر	-	آلوت	۲۰
۱۶	طاهر	۲۶	دیپلم	کولبر	بانه	-	۳۰
۱۷	فرهاد	۲۳	راهنمایی	کولبر	بانه	-	۲۵
۱۸	بختیار	۴۹	ابتدایی	پيله‌ور	-	برده‌رشه	۲۰
۱۹	قادر	۱۸	راهنمایی	کولبر	بانه	-	۴۰
۲۰	صدیق	۲۲	دیپلم	کولبر	بانه	-	۳۵
۲۱	حبیب	۴۵	لیسانس	کارمند گمرک	بانه	-	۲۰
۲۲	طاهر	۴۶	کارشناس ارشد	رئیس گمرک	بانه	-	۳۰
۲۳	ایوب	۴۶	کارشناس ارشد	دبیر آموزش و پرورش	بانه	-	۴۰
۲۴	جلال	۳۸	دیپلم	کارمند گمرک	بانه	-	۳۰
۲۵	لقمان	۳۹	لیسانس	کارمند گمرک	بانه	-	۴۵

یافته‌ها و اطلاعات میدانی، با استفاده از الگوی پنج‌مرحله‌ای کارسپکن<sup>۱</sup> (۱۹۹۶) و فنون گوناگون جمع‌آوری اطلاعات (مشاهده، مشاهده مشارکتی، مصاحبه عمیق و نیمه‌ساخت یافته، مطالعه اسناد) تحلیل شد که شامل این مراحل است: ۱. جمع‌آوری یادداشت‌های اولیه و تک‌گویانه<sup>۲</sup> (هاردکستل<sup>۳</sup> و همکاران، ۲۰۰۶: ۱۵۸)؛ ۲. تحلیل بازساختی‌گرایانه مقدماتی؛<sup>۴</sup> ۳. تولید اطلاعات دیالوگ‌محور<sup>۵</sup> (مذاکره‌ای)؛ ۴. تفسیر روابط سیستمی<sup>۶</sup> (همان، ۱۵۳)؛ ۵. تبیین روابط ساختاری<sup>۷</sup> (کارسپکن، ۱۹۹۶: ۲۰۲-۲۰۳). آخرین موضوع در روش پژوهش، اعتبارسنجی است. از آنجاکه در پارادایم کیفی، قابلیت اعتماد<sup>۸</sup> نسبت به پایایی اهمیت بیشتری دارد، قابلیت اعتماد به اطلاعات از طریق روش‌های زیر تضمین شد: به‌کارگیری مفهوم زاویه‌بندی<sup>۹</sup> درحین جمع‌آوری داده‌ها، استفاده هم‌زمان از فنون گوناگون جمع‌آوری اطلاعات، طرح پرسش از افراد متفاوت در زمان‌ها و مکان‌های گوناگون، کنترل افراد مصاحبه‌شونده و باورپذیر کردن گزینشی.

### یافته‌های پژوهش

یافته‌های پژوهش، در دو بخش توصیفی و تحلیلی، با تجمیع مراحل پنج‌گانه الگوی کارسپکن در دو رویکرد اتیک و امیک ارائه خواهد شد. ابتدا، تاریخچه شکل‌گیری پدیده کولبری در شهرستان بانه توصیف شده و در بخش بعدی، علت‌های پیدایش این پدیده بر مبنای زیست‌جهان انتقادی و درک و تجربه مردم بررسی شده است.

### الف) یافته‌های توصیفی

از گذشته‌های دور تاکنون، همواره، دو واژه «گرد» و «مرز» باهم به‌کار رفته‌اند. این سخن ناپلئون بناپارت که: «جغرافیا حکم سرنوشت را دارد» (دشنر، ۲۰۱۱: ۱۶)، درباره قوم گرد کاملاً صدق می‌کند؛ زیرا تمام ابعاد اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی زندگی کردها از محیط زندگی آن‌ها متأثر است؛ بنابراین، مرز و زندگی در آن، از پرکاربردترین مفاهیم در غرب ایران است.

1. Carspecken
2. Building a Primary Etic Record
3. Hardcastle
4. Preliminary Reconstructive Analysis
5. Dialogical (Emic) Data Generation, Collaborative Stage
6. Describes Systems Relations to Broader Context
7. Explains Relational Systems
8. Reliability
9. Triangulation

به واسطه زندگی در مرز، اکثر مرزنشینان غرب کشور در استان‌های کردستان، آذربایجان غربی، کرمانشاه و ایلام، به دلیل غلبه فقر در منطقه، کولبری پیشه کرده‌اند. کولبری فعالیتی است که با حمل کالا در دو سوی مرز پیوند دارد. سند مکتوبی درباب تاریخچه پیدایش این پدیده در مناطق مرزی غرب ایران در دست نیست، اما بنا به اظهارات ساکنان شهرستان مرزی بانه، آن‌ها در گذشته نیز از راه مبادله پایاپای و تجارت مرزی مخارج و نیازهای زندگی خود را تأمین می‌کرده‌اند. از روزگار قدیم، پیش از تشکیل دولت-ملت‌های مدرن در دو سوی مرز، تا یک‌دهه پیش، اجناس و کالاها در مرزهای شهرستان بانه بر پشت حیوانات باربری مثل اسب و قاطر حمل می‌شد، اما امروزه، به دلیل اعمال محدودیت‌های قانونی فراوان از سوی دولت‌های وقت، کولبران یا همان مرزنشینان از نیروی خود برای انتقال کالاها استفاده می‌کنند.

«لقمان»، ۳۷ ساله با تحصیلات فوق‌دیپلم و ساکن روستای مرزی «زله»، که از نزدیک شاهد

تحول معیشتی مرزنشینان بوده است، در این باره می‌گوید:

«تا قبل از رایج شدن کولبری، حمل بار در هر دو سوی مرز، اغلب با قاطر، اسب و الاغ به صورت کاروانی بود که سابقه آن به دهه‌های قبل برمی‌گردد. به نظر من، این شیوه از حمل و نقل بار بهتر بود؛ چون متأسفانه امروز انسان جای این حیوان‌ها را پر کرده و اصلاً نام کولبری جای درد و تأسف است! در سال ۱۳۸۸، کانال مرزی میان ایران و عراق با هدف محدود کردن مراوده‌ها حفر شد. با حفر این کانال، حمل بار به این شکل (قاطر و الاغ) محدود شد و کم‌کم زمینه برای رونق کولبری ایجاد شد. تقریباً، بعد از سفر استانی رهبر به کردستان، بازارچه‌های موقت مرزی در گله‌سوره و شعب‌الدین تأسیس شد و به افراد روستایی تا ۲۰ کیلومتر نزدیک به مرز، دفترچه کولبری داده شد تا آزادانه بار بیاورند».

با شروع تحولات سیاسی-اقتصادی آن سوی مرز، از جمله سقوط صدام، خودمختار شدن اقلیم کردستان عراق، رونق گرفتن اقتصاد آزاد، ارتباط بازارهای کشورهای هم‌جوار و گرایش به مصرف کالاها خارجی در داخل ایران، مراوده تجاری ایران با کردستان عراق از راه مرز مشترک روزه‌روز فزونی گرفت. علاوه بر این، فقدان سرمایه‌گذاری صنعتی و تولیدی در مناطق مرزی و محروم کشور و جبر محیطی این مناطق، به رونق گرفتن پدیده کولبری منجر شد. به طوری که، کولبری را می‌توان به دو نوع تقسیم کرد: یکی، کولبری رسمی است که به حمل کالاها در قالب مصوب و در بازه زمانی معین در بازارچه‌های موقت رسمی مطابق قانون

سامان‌دهی مبادلات مرزی اطلاق می‌شود. طبق مشاهده پژوهشگران، به دلیل تعطیل شدن بازارچه‌های موقت رسمی «هنگه‌زال» و «گله‌سوره» در شهرستان بانه از نیمه دوم سال ۹۶ تاکنون، کولبری رسمی نیز به حالت تعلیق درآمده است و کولبران در آن فعالیتی ندارند. شکل دیگر، کولبری غیررسمی است که بر حمل و نقل غیرقانونی کالاهای ممنوع در مرزها به واسطه مرزنشینان اطلاق می‌شود. کولبری غیررسمی از مسیرهای پرخطر، از جمله: پرتگاه‌ها و کوه‌های صخره‌ای و صعب‌العبور، صورت می‌گیرد و جان و مال کولبران در این مسیرها به خطر می‌افتد؛ به طوری که سالانه ده‌ها تن بر اثر سقوط از ارتفاع، افتادن در کانال‌های مرزی، گرفتار شدن در برف و سرما، تیراندازی مأموران انتظامی مرز، انفجار مین، مارگزیدگی، غرق شدن در رودخانه‌ها و... جان خود را از دست می‌دهند. یکی از نکات مهم که تفاوت تجربه زیسته و سیاست‌های رسمی را نشان می‌دهد، تناقض در احتیاج و تقابل با کولبری است. یک وجه از کولبری در اقتصاد مرزی ایران تحریم‌ها و نیاز به ورود برخی کالاهای ممنوع از طریق راه‌های غیرقانونی است. با بازگرداندن تحریم‌ها توسط آمریکا، اسحاق جهانگیری در جمع استانداران گفت از طریق مرزها و با استفاده از مبادلات مرزی سعی کنید تمام مایحتاج کشور را وارد کنید. به نوعی کولبری و اقتصاد قاچاق علاوه بر نوعی فضای انتزاعی که خواست قدرت در قالب بازتولید موقعیت خود بدان نیازمند است، آن را بازتولید می‌کند، تفاوتی اساسی با تجربه زیسته و فضای اجتماعی دارد که در تجربه متفاوت درک می‌شود. در کنار هم قرار گرفتن این دو فضا با ایجاد پدیده کولبری همخوان با نیاز زمان حاکمیت است که با فضای سرمایه‌دارانه جهانی مرتبط است. درک کولبران برخی زمان‌ها محدود به فضای اجتماعی زیسته خود است نه واقعیت اقتصاد سیاسی حاکم. بر همین اساس، فهم فضای اجتماعی و درک این افراد از فضای انتزاعی موجود بسیار مهم است، امری که محقق به دنبال فهم آن و تداخل این دو فضا است.

### ب) یافته‌های تحلیلی

اصلی‌ترین پرسش پژوهش این است که «مهم‌ترین علت‌های مؤثر بر پیدایش کولبری در شهرستان مرزی بانه چه بوده است؟». پاسخ‌های مصاحبه‌شوندگان باتوجه به الگوی روابط سیستمی کارسپکن در دو مرحله کدگذاری باز و محوری در این بخش تحلیل شده و درنهایت،

به تبیین روابط ساختاری مقوله‌های استخراج‌شده با سطوح نظری کلان و تجربی پرداخته شده است.

### ۱. فقر اقتصادی و نبود منبع درآمد جایگزین

یافته‌های تحقیق نشان داد که کولبران به دلایل اصلی فقر اقتصادی شدید، بیکاری، نبود اشتغال جایگزین، افزایش هزینه‌های خانوار، فقر مطلق، گسترش فقر در مناطق مرزی، فشار اقتصادی، عدم درآمدزایی پيله‌وری، درآمد بیشتر کولبری نسبت به پيله‌وری، اقتصاد ناکارآمد منطقه، ممکن نبودن دسترسی به منبع درآمدی دیگر، کولبری را به عنوان تنها راه معیشت انتخاب نموده‌اند. در واقع، خود کولبران و مردم مناطق مرزی، کولبری را به عنوان انتخابی اجباری در محیطی که امکان دسترسی به منبع درآمد دیگری وجود ندارد، انتخاب نموده‌اند. بیشتر کولبران از خانواده‌های فقیر، حاشیه‌ای و بدون سرمایه اقتصادی هستند و بار تکفل خانواده‌های گسترده و هسته‌ای را متقبل شده‌اند. بنابراین، به دلیل فقر اقتصادی و نبود منبع درآمد جایگزین در کنار ضعف درآمد حاصل از پيله‌وری، کولبری تبدیل به تنها راه معاش خود و خانواده‌شان شده است. به طور کلی می‌توان گفت که فشار اقتصادی و فقر شدید در کنار نبود امکان دستیابی به شغل یا منبع درآمدی دیگر آنان را وادار نموده به کولبری به عنوان یک شغل خطرناک و ممنوع در مناطق صعب‌العبور مرزی روی بیاورند. هر چند، تعداد معدودی از کولبران آن را به عنوان منبع درآمدی کمکی انتخاب نموده‌اند اما اکثریت قریب به اتفاق آنان با فقر اقتصادی شدید مواجه می‌باشند.

مصاحبه‌شوندگان مشکلات معیشتی مردم در شهرستان مرزی بانه را که بر انتخاب کولبری مؤثر بوده است، این‌گونه توصیف کرده‌اند:

«مصطفی»، ۳۷ ساله و ساکن شهر بانه، که به پيله‌وری در مرز بانه مشغول است، می‌گوید:  
 «به‌علت نبود شغل‌های مناسب در منطقه، اکثر مردم ساکن در روستاهای مرزی و شهر بانه مجبور به کولبری‌اند، هرچند واقعاً به‌سختی می‌توان این فعالیت اجباری مردم را شغل نامید. به‌نظرم، فعالیت را می‌توان شغل نامید که آدم در آن امنیت جانی و مالی و بیمه‌ای داشته باشد. این کجایش شغل است که مردم از سر ناچاری و به‌اجبار تن به این کار می‌دهند. همین هم ممکن است یک‌روز باشد و چندروز دیگر نباشد.»

«رزگار»، ۲۵ ساله و ساکن شهر بانه، که چندسالی است به کولبری مشغول است، چنین

می‌گوید:

«ما در شهری زندگی می‌کنیم که باوجود نزدیک به ۲۰۰ هزار نفر جمعیت، یک کارخانه و کارگاه تولیدی یا صنعتی ندارد، شغلی وجود ندارد که بگویی یک جوان به آن مشغول خواهد شد. یا باید قاچاقچی باشی، یا باید کارگر باشی یا کولبر، این‌هم از وضعیت کولبری که در این مرز برای ما به ارمغان آمده که به‌نوعی بازی با زندگی خود است؛ من تلقی‌ام از کولبری دیوار مرگ است، انسان وقتی می‌رود برای کولبری، یا می‌میرد یا برمی‌گردد».

«ماموستا» یا روحانی روستای مرزی بزی، تنگنای معیشتی و نبود منبع درآمد دیگر را دلیل

روی‌آوری مردم مرزنشین به کولبری می‌داند، او می‌گوید:

«مردم مرزنشین ما خیلی در تنگنای معیشتی به سر می‌برند، من چون روحانی و معتمد مردم هستم بیشتر در جریان زندگی مردم هستم زیرا از جاهای مختلفی راجع به زندگی مردم برام تعریف می‌کنند. خیلی از مردم ماه به ماه فقط منتظر دریافت یارانه ناچیز دولت هستند؛ خیلی از آنها نان خالی را به صورت قرض می‌توانند تهیه کنند. اگر مبلغ یارانه‌های دولتی را در همین کشورهای نزدیک به ایران را با کشور خودمان مقایسه کنیم، درمی‌یابیم که میزان حمایت دولت از مردم خیلی ناچیز می‌باشد».

درآمد ناچیز، فقر زیاد و حتی در برخی موارد متکی بودن به یارانه‌ها نشان از فقر اقتصادی مفروطی است که در این مناطق مرزی وجود دارد. بنابراین، به‌واسطه گسترش بیکاری و فقر اقتصادی در مناطق مرزی غرب کشور، تجارت غیررسمی مرزی خصوصاً کولبری به منبع درآمدی جایگزین برای گذران زندگی مرزنشینان تبدیل شده است. همین فعالیت پرمشقت باعث شده تا کولبران به افرادی آسیب‌پذیر در حوزه اقتصاد تبدیل شوند.

## ۲. احساس تبعیض ساختاری

در پژوهش ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان در سال ۱۳۹۴ که توسط دفتر طرح‌های ملی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی انجام شد، به نظر ۷۰ درصد از مردم کردستان، وضعیت فقر مردم نسبت به ۵ سال گذشته بیشتر شده است و ۷۰ درصد نیز بیان کرده‌اند که در ۵ سال آینده نیز میزان فقرشان بیشتر می‌شود. در مورد عدالت اقتصادی نیز بر اساس اطلاعات این گزارش، ۳۲/۸

درصد از پاسخ‌گویان موافق این امر بودند که نابرابری، پارتی‌بازی و رانت اقتصادی وجود دارد.<sup>۱</sup> این آمارها نشان دهنده باور به تبعیض در بین پاسخگویان کردستانی است. سلیمانی و محمدپور (۲۰۱۹) بر این باورند که ۵۰ درصد کارمندان بخش دولتی غیر کرد و غیر سنی می‌باشند. آقاجانیان (۱۹۸۳) نیز در پژوهش خود بر تبعیض قومی مرکز نسبت به حاشیه تاکید دارد و آن را تبعیض ساختارمند تعریف می‌نماید. از دیدگاه پاسخگویان، به دلیل عملکرد نامناسب نظام سیاسی است که مناطق مرزی فقیرترین مناطق ایران هستند. به اعتقاد آنها، دولت در این مناطق سرمایه‌گذاری نمی‌کند و به همین دلیل، امکان دست‌یافتن مردم به شغل‌های ثابت دور از انتظار است و آنها برای تأمین نیازهای اولیه خود، از سر ناچاری، به فعالیت‌های کاذب روی می‌آورند. بی‌توجهی سیاستمداران به عدالت اجتماعی-فضایی در ایران، اکثر مرزنشینان را به جایگاه فرودست رانده است.

«لقمان» درباره فقر تحمیل‌شده و وجود تبعیض ساختارمند در زندگی مرزنشینان می‌گوید:

«انگار به چیزایی پشت پرده هست که نمی‌گذارن مردم ما از لحاظ فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی دارا و ثروتمند شوند که این یک ظلم آشکار است. محدودیت‌هایی همیشه توسط سیاستمداران ایجاد شده تا مردم دائم افرادی وابسته باشند تا مستقل و توانمند و همچنین خواسته‌هایشان خواسته‌هایی کوچک باشد به طور مثال، در روستای ما پارسال مدرسه تاسیس شد و یک معلم را با تجربه پایین برای تدریس ۶ پایه فرستاده‌اند. می‌توان گفت خیلی با برنامه و با تاکید از روی عمل، این کولبری توسط دولت برای مردم مرزنشین کردستان ایجاد شد؛ همان‌طور که قبلاً نیز گفتم نوعی فقر سیستماتیک برای کردستان شکل گرفته و مردم مرزنشین را با دادن چند دفترچه کولبری و پوله‌وری سرگرم نمودند، برای اینکه ذهن مردم را محدود به تأمین معاش روزانه نمایند و به هیچ چیز دیگری فکر نکنند و شاکر باشند به همان لقمه نانی که کسب می‌کنند؛ البته این تصمیم قدرتمندان و ثروتمندان هر کشوری برای ملتش است. بحث دیگر این است که متأسفانه مسئولین ما چون از جنس ما نیستند و برای ما دلسوزی نمی‌کنند ما را به این وضع رسانده‌اند. امروزه نخبگان و مسئولین محلی از جمله نمایندگان ما نیز یا در حاشیه قرار می‌گیرند و قدرت چانه‌زنی ندارند یا دنبال منافع شخصی خودشان هستند و مردم را فراموش کرده‌اند در حالی که خوب می‌دانند که ما به آنها این قدرت را داده‌ایم و آنها را به این جایگاه رسانده‌ایم».

۱. طرح ملی ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان (موج سوم)، مجری علمی: محمدرضا جواد‌ی‌یگانه، دفتر طرح‌های ملی با همکاری مرکز ملی رصد اجتماعی وزارت کشور، سال ۱۳۹۴؛ انتشار در سال ۱۳۹۵.



«مظفر»، با تحصیلات لیسانس و اهل روستای «که‌ویچ»، درباره تبعیض قومی-مذهبی در قبال مرزنشینان می‌گوید:

«به‌طور عام، مناطق مرزی، و به‌طور خاص کردستان، از لحاظ اقتصادی وضعیت مناسبی ندارند؛ همین وضعیت اقتصادی نامناسب عامل اصلی ایجاد فعالیت‌های کاذب در مرزهاست. مثلاً تصور کن در کردستان ما کولبری داریم، اما در سیستان و بلوچستان متأسفانه قاچاق مواد مخدر داریم. هر کدام از این‌ها خودش آسیب بزرگی است».

توجه به گفته‌های یکی از کارمندان گمرک بانه که دارای ۱۵ سال سابقه خدمت در گمرک بود در تایید گفته بالا ضروری است:

«فقر و تنگدستی مردم ناشی از عدم سرمایه‌گذاری‌های کلان برای ایجاد شغل در این مناطق است که این خود ناشی از مسائلی همچون مذهب، عوامل سیاسی و ... می‌باشد. هر چند در این سال‌های اخیر دولت برای رفع این پدیده ناصواب و کمک به رفاه مردم مناطق مرزی، مصوبه‌هایی را در هیئت دولت به تصویب رسانده (از جمله مصوبه شماره ۱۵۶۵۹۱/ت ۵۵۴۴۶ مورخ ۱۳۹۷/۱۱/۲۴ و اصلاحیه‌های بعد از آن)؛ اما عدم ایجاد زیرساخت‌های لازم و ابهامات فراوان در مرحله اجرای مصوبه، در مرحله عمل تاکنون نتیجه‌ای که مد نظر مصوبه بوده را به هیچ عنوان حاصل نکرده است و کولبران علارغم فشار دولت و سختگیری‌های فراوان هر چند در سطح خیلی ناچیز هنوز به فعالیت خود ادامه می‌دهند».

نکته دیگری که از اظهارات پاسخگویان به دست آمد، این است که همه طرح‌ها و برنامه‌هایی که دولت باهدف بهبود زندگی مرزنشینان و اجرای عدالت در کشور تدارک دیده، مرزنشینان را متضرر و تضعیف کرده و هیچ سودی برای ارتقای وضع معیشت آنها نداشته است. اقدامات دولتی نیز، از قبیل: بیمه کردن کولبران، صدور کارت و دفترچه کولبری و کارهایی از این دست، به دنبال تشدید استثمار فقیران مرزی، تثبیت موقعیت فرودست ایشان و افزایش شکاف طبقاتی صورت گرفته است و صرفاً به معنی پذیرفته شدن فرودستی این قشر در نظرگاه دولت است.

### ۳. جبر محیطی و ضعف اشتغال صنعتی، کشاورزی و گردشگری

یکی از عوامل دیگری که پاسخگویان در باب علل پیدایش کولبری در شهرستان مرزی بانه به آن اشاره کرده‌اند، جبر جغرافیایی یا محیطی است. محیط زندگی، خواه طبیعی باشد خواه جغرافیایی، اهمیت انکارناپذیری در پیشرفت اقتصادی-اجتماعی انسان دارد. جغرافیا به عنوان

یک عامل تاثیرگذار شاید بخشی از ستم بر این مردمان مرزنشین باشد؛ جغرافیایی که سیاست‌های تبعیضی آن را تقویت نموده است. کوهستانی بودن منطقه و نبود زیرساخت‌های مناسب، امکان توسعه و رونق کشاورزی را از این مردمان ستانده و آنان را درگیر فعالیت ادامه‌دار تاریخی داد و ستد مرزی نموده است. این محدودیت‌های محیطی و تأمین نشدن معیشت از راه‌های کشاورزی، صنعت و گردشگری، مرزنشینان را به تکاپو برای یافتن راه‌های جدید امرارمعاش واداشته است. «کمال»، ۳۲ ساله و ساکن شهر بانه، در این باره می‌گوید:

*«تمام شهرهای مرزی، از جمله مریوان، بانه، سردشت و...، از نظر کشاورزی ضعیف‌اند؛ زیرا ما اصلاً زمین‌های پست و هموار نداریم، بلکه همه مناطق ما کوهستانی و مرتفع است. همه این مناطق به اندازه شهرستانی مانند دیواندره زمین کشاورزی ندارد. پس، ما اصلاً کشاورزی نداریم، غیر از کار مرز چه کنیم؟».*

«فرهاد»، ۲۳ ساله و کولبر، می‌گوید:

*«کشاورزی مناسبی نداریم؛ زیرا موقعیت شهرستان بانه کاملاً کوهستانی است و زمین‌های هموار و تختی که در آن بشود کشاورزی کرد، وجود ندارد. عده کمی باغداری می‌کنند که آن‌هم در حد بخورونمیر است».*

«حبیب» یکی از کارمندان شاغل در گمرک بانه نیز در تائید این بحث، گفت:

*«اصلی‌ترین دلیل شکل‌گیری کولبری را می‌توان مسائل اقتصادی دانست، نبود شغل و کار مناسب در مناطق مرزی یکی از اصلی‌ترین دلایل روی آوردن مرزنشینان به کولبری است. هر چند برخی دلایل دیگر از جمله مسائل فرهنگی نیز در این امر بی‌تاثیر نیست. امروزه کولبری به عنوان یک شغل در فرهنگ مردم منطقه مقبولیت یافته در حالی که بسیاری از آنان می‌توانند به کشاورزی، باغداری، دامداری، زنبورداری و... اشتغال ورزند».*

در طول جنگ چندساله ایران و عراق، اکثر زمین‌های کشاورزی و غیرکشاورزی مردم مرزنشین از فعالیت‌های اقتصادی خارج شدند و به میدان‌های مین تبدیل شدند و تمام شیوه‌های سنتی پرورش دام و کشاورزی با اختلال مواجه شد. انتقال منابع طبیعی از جمله آب نیز عاملی دیگر در فقر محیطی محسوب شده طوری که بر اساس آمارهای موجود، چیزی حدود یک‌چهارم منابع آبی در کردستان صرف می‌شود (سلیمانی و محمدپور، ۲۰۱۹). بنابراین، فقر محیطی و نبود یک راهکار جامع برای ایجاد اشتغال در بخش‌های کشاورزی، صنعت و گردشگری، آن‌ها را واداشته تا به کولبری مشغول شوند و از این راه امرارمعاش کنند. یکی از نکات مهم نیز

ناهمخوانی برنامه‌ای است. عمل سیاسی دولت بر مبنای اهداف بلندمدت ایدئولوژیک و کلان مرکز طرح می‌شود که با امکانات و توان بسیاری از مناطق ناهمخوان است. پیامد افزایش جمعیت در دوره اصلاحات ارضی و اوایل انقلاب، کمبود اشتغال در بخش سنتی و کشاورزی برای استانی بود که فاقد هرگونه زیرساخت صنعتی بود. این ناهمخوانی جمعیت با فضا و تأکید بر بازتولید آن، مازاد جمعیت را به سمت نوعی فعالیت اقتصادی رهنمون کرد که با خواست دستگاهی قانونی هماهنگ نبود، امری که ایجاد آن نتیجه ناهمخوانی برنامه سیاسی جمعیت با اقتصاد سیاسی کشور بر اساس توزیع مکانی بوده است.

#### ۴. بازتولید جبری مرز

در پی ظهور دولت-ملت‌های جدید و سقوط امپراتوری عثمانی، کردها مرز را با وجوه پدیداری آن و الزام به قطع ارتباط بین دو سوی مرز با کنترل دولت مرکزی شناختند، اما، چنین انفکاک‌ی ارتباط بین دو سوی مرز را کاملاً قطع نکرد و کردها، در مقاطعی، آن را به مبارزه طلبیدند و بر اتحاد خود با افراد آن سوی مرز تأکید کردند. آن‌ها همواره، با وجود برقراری وجوه سلبی مرزها، از این پدیده نوظهور به‌منزله وجه ایجابی، به‌منظور دستیابی به مقاصدشان، بهره برده‌اند (دشنر، ۲۰۱۱: ۱۶). «لقمان»، ساکن روستای مرزی «زله»، در این باره می‌گوید:

«لازم است به قضیه تقسیم کردستان اشاره کنم که از دیرزمان تاکنون، به دلیل موقعیت جغرافیایی مناسب این مرزوبوم، خاک، فرهنگ و اقتصاد کردستان موضوع معامله دولت‌های قدرتمند و صهیونیسم بین‌الملل قرار گرفته. همین قضیه در اقتصاد و سیاست کردستان منشأ تغییر و تحولاتی عظیم بوده است. عامل پشت این قضیه، جنگ افروزی هرچه بیشتر بین کردها و سیاستمداران بوده است. تقریباً، بعد از فروپاشی امپراتوری عثمانی، ما کردها به اجبار از هم جدا شدیم، درحالی‌که در گذشته یکی بودیم و هیچ تفاوتی بین ما نبود و مانند کشورهای عضو اتحادیه اروپا هیچ مرزی بین ما نبود. مثلاً، یک فرانسوی خیلی راحت به آلمان می‌رود و برمی‌گردد، مثل اینکه ما از سنقر بیاییم بانه؛ به همین راحتی. پس، ارتباط ما با گردهای عراق امروز، چه به لحاظ اقتصادی، چه اجتماعی و فرهنگی، عمیق و گسترده بود، اما مرزکشی و کانال‌کشی ما را از هم جدا کرد. امروزه، رد کردن این مرز ساخته شده، بدون مجوز، خطر مرگ به همراه دارد».

«کمال»، ساکن شهر بانه درباره امنیت شدن منطقه بعد از ایجاد مرز در بانه می‌گوید:

«به‌ازای هر هزار متر، یک برجک هنگ مرزی وجود دارد. همه برجک‌ها مجهز به دوربین مادون‌قرمز و حرارتی‌اند. بین هر ۵۰۰ تا ۱۰۰۰ متر، دو سرباز و یک کادر مرزی قرار گرفته

است که به این فاصله، معبر گفته می‌شود. کولبر یا از میان این معابر رد می‌شود یا از فاصلهٔ برجک‌ها، نظارت شدیدی در این نقاط حاکم است. به طول ۶۷ کیلومتر مرز مشترک بین دو کشور، کانال‌هایی با ارتفاع ۳ تا ۴ متر حفر شده است تا رفت و آمد محدود شود و کنترل شدیدی حاکم باشد. در جاهایی که به دلیل سنگی بودن و هزینه‌بر بودن، حفر کانال سخت بوده است، بیشتر کولبری صورت می‌گیرد و افراد کولبر در این مسیرها بیشتر تردد دارند.

مرز در تعریف رسمی مترادف است با ممنوعیت؛ در دل فضای اقتصاد لیبرال، دولت و اقتصاد آزاد دو عامل مهم هستند که به کنترل و تجارت همزاد این دو فاکتور نیاز است. اما مرزنشینان درک متفاوتی از مرز دارند، مرز را نه عامل هویتی تقویت بلکه عامل جدایی فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و خویشاوندی می‌دانند، آن‌هم با استفاده از ابزارهای کنترلی خشن که میل به کنترل در آن بر فضای مرز سایه انداخته است. در واقع، باور به مرز در بین مرزنشینان نوعی اجبار سیستم است که آنان را به پذیرش این سیم‌ها و برجک‌ها مجبور می‌کند، مرزی که معیشت آنان را با خطر مواجه نموده است.

##### ۵. عقب‌نشینی دولت در حمایت از فقرا

در کنار عوامل فوق، توجه به بحث نئولیبرالیسم و اجرای سیاست‌های تعدیل ساختاری و پیامدهای آن از جمله عقب‌نشینی دولت از سیاست‌های حمایتی و رفاهی در طی چند دهه اخیر ضروری می‌نماید.

از دید پاسخ‌گویان، کاهش سیاست‌های حمایتی دولت از فقرا و ناکافی بودن آن باعث رشد وضعیت نابرابر بیشتری شده است. «آزاد» کولبر اهل روستای آلوت بانه می‌گوید:

«در طول این چند سال فقط وامی ۴۰ میلیون تومانی به عنوان وام کولبری و اشتغال‌زایی به ما داده‌اند که اون بد نبود ولی غیر از اون هیچ حمایت دیگری از جانب دولت به ما نشده است. این که ما در ایران امنیت و آسایش داریم خودش خوبه ولی هیچ کس کاری برای ما مرزنشینان جهت تامین معیشت انجام نداده است».

این محکومیت دولت به عدم اقدام در راستای حمایت از مردم در بین همه پاسخ‌گویان تکرار شده است. کولبران دولت را به عدم توجه و کاهش حمایت‌هایش متهم می‌نمایند. نهادهای حمایتی مانند بهزیستی و کمیته امداد نیز هرچند سعی در پوشش معلولین یا فقرا در اکثر مناطق دارند اما میزان کمک‌های این نهادها، توان برآورده نمودن انتظارات زندگی این افراد

را ندارد و میزان کمک‌های آن‌ها به نسبت تورم و وضعیت اقتصادی خیلی ناچیز می‌باشد؛ خصوصاً اگر کولبر یا فرد تحت پوشش اجاره نشین باشد. یکی از کولبران آسیب‌دیده در این زمینه می‌گفت:

«چندین بار به بهزیستی و کمیته مراجعه کرده‌ام که تحت پوششم قرار دهند، اما هیچ جوابی نمی‌دهند.»

در این زمینه و برای کولبران معلول یا دارای آسیب شدید جسمی، بهزیستی بر اساس بخشنامه‌های خود مقدار ناچیزی پول در اختیار آن‌ها قرار می‌دهند. این نهاد برای فرد دارای معلولیت در ماه ۱۲۵ هزار تومان حق معیشت و ۶۳۵۰۰ تومان مستمری می‌دهد که این مقدار برای خانواده دو نفره به ترتیب عبارت است ۳۳۲ هزار تومان حق معیشت و ۷۲ هزار تومان مستمری، برای خانواده ۳ نفره ۳۳۲ هزار تومان حق معیشت و ۸۵ هزار تومان مستمری، برای خانواده ۴ نفره ۴۷۹ هزار تومان حق معیشت و ۹۸۵۰۰ تومان مستمری و برای خانواده ۵ نفره ۴۷۹ هزار تومان حق معیشت و ۱۲۰ هزار تومان مستمری پرداخت می‌شود. برای کسانی که دچار قطعی نخاع هستند، ۵۵۴ هزار تومان حق پرستاری نیز پرداخت می‌شود. با در نظر گرفتن این آمار، اگر کسی قطع نخاع شده باشد و خانواده‌ای ۴ نفره نیز داشته باشد، ۱۱۲۳۵۰۰ تومان مستمری دریافت می‌نماید که با توجه به هزینه‌های خانوار امروزه، مقدار ناچیزی است.

یکی از نکات مهم، شکل‌گیری گروه‌های همیاری مردمی و گروه‌های مردم نهاد در راستای کمک به فقرا در غیاب فعالیت دولت در این زمینه است. که در غیاب ساختارهای حمایتی دولت و هرچه تام‌گرا شدن دولت و عدم توجه به فقرا، نهادها و گروه‌های محلی سعی نموده‌اند این فضا را پر نمایند و دولت هرچند سعی در امنیتی نمودن فضا دارد اما این گروه‌ها در مناطق مختلف توانسته‌اند گروه‌هایی حمایتی را ایجاد نمایند.

#### ۶. رایج شدن سرمایه‌داری رانتیر در نبود سرمایه‌داری صنعتی

ساکنان شهرستان مرزی بانه یکی دیگر از عوامل مؤثر بر پیدایش و گسترش کولبری را رانت‌خواری «تازه‌به‌دوران‌رسیده‌ها» یا «نوکیسه‌ها» می‌دانند که بعد از گسترش فعالیت بازارچه‌های موقت مرزی کم‌کم پدیدار شد. کولبران، در جایگاه ضعیف‌ترین قشر ساکن در مرز، منافع کلان این افراد را تأمین می‌کنند. مردم شهرستان بانه نبود میل جدی برای تولید و سرمایه‌داری تولیدی در کنار خروج سرمایه‌های این شهرستان توسط افراد دارای رانت را عامل

اصلی ناکامی می‌دانند. از دید مردم، دولت حامی صنعت نبوده و رانت بازارمحور را که تمایل به خروج سرمایه از شهرستان و حتی کشور دارد، تقویت می‌کند. یک پاسنخگو ۲۳ ساله و ساکن بانه، که شش سال به کولبری مشغول بوده است، می‌گوید:

«راستش اینجا بیشتر خطر و مرگ و زحمتش برای ماست و گرنه افراد خاصی هستند که به راحتی از مرز بار خود را می‌آورند یا صاحبان بار با خودشون رابطه دارن. طرف تهرانی بارشو از اینجا میاره، مگر این مواد که ما میبریم برای شرکت‌های تولیدی دارویی و شوینده نیست، خوب این شرکت‌ها در اختیار چه کسانی هستند، به نظر من در اینجا بخوای بار بیاری یا صاحب بار بشی در مرز فعالیت کنی باید پارتی داشته باشی».

«سیوان»، کولبر ۲۲ ساله و ساکن بانه نیز درباره بی‌قدرتی کولبران می‌گوید:  
 «ما الان در خود بازارچه‌های مرزی هم می‌بینیم که آن‌هایی که به جایی وصل‌اند، از همین کار مرز سودهای کلانی کسب می‌کنند، اما ما قسمت‌مان همین حمالی و بدبختی است؛ چون به جایی وصل نیستیم».

تقویت سرمایه‌داری بازار رانت‌محور، عامل نابودی سرمایه فرهنگی بوده است. میل به کسب سرمایه فرهنگی زمانی تاثیرگذار است که از لحاظ مادی نیز نیازهای فرد را برآورده کند اما شکل‌گیری رانت، تبعیض قومی و مذهبی، اهمیت یافتن مادیات و اقتصاد باعث نابودی فکر تغییر از طریق تحصیل و روی آوردن به کولبری و کارهای مشابه می‌شود. «ظاهر»، ۲۶ ساله، دارای مدرک دیپلم و ساکن بانه، درباره غیبت نخبگان محلی در منطقه می‌گوید:

«خالی شدن شهرهای مرزی کردستان از نخبه‌ها مهم است. آن‌ها می‌بینند که اینجا هیچ امکاناتی ندارند تا بمانند؛ در نتیجه، بعد از تحصیلات عالی و... به هیچ وجه حاضر به زندگی کردن در اینجا نیستند که این برای ما خیلی پیامد نامناسبی داشته است؛ مثلاً، الان ما بهترین پزشک گرد را داریم که در کنار خودمان زندگی نمی‌کند و به دلیل عدم امکانات کافی، برای جمعیت خودمان کار نمی‌کند. بعضی وقت‌ها مجبوریم ساعت‌ها برویم به شهرهای دوردست تا آن‌ها ما را معاینه کنند، درحالی‌که اگر کنار خودمان بودند، با کمترین هزینه آن‌ها را می‌دیدیم». او درباره تغییر ارزش‌های اجتماعی نوجوانان و جوانان نیز می‌گوید: «از یکی از بچه‌ها در مدرسه پرسیدند که علم بهتر است یا ثروت؟ جواب داده بود وقتی که رنج پدر کولبر و زحمت‌های برادر تحصیل‌کرده کولبرم و اشک‌های مادرم را می‌بینم، هیچ وقت نمی‌توانم بگویم علم بهتر است».

بنابراین، برخورداری از رانت عاملی در دستیابی به موقعیت فرادست در این دادوستد مرزی و حتی عامل نگه داشتن کولبران است. امری که نوعی سلسله مراتب را ایجاد کرده است، سلسله مراتبی که از مرکز شروع شده و در مرز به قاعده هرم خود می رسد. صاحب بار اصلی در مرکز یا شهرهای مهم کشور و استان است و برخوردار از نوعی رانت حمایتی (سلطانیان و مفاخری باشماق، ۱۳۹۷) می باشد که باعث تقسیم ناعادلانه ثروت، کار و غیره می شود.

### ۷. احساس طرد اقتصادی و فرهنگی

در این بخش، پاسخگویان به استعمار داخلی و وضعیت نامناسب زندگی شان، در مقایسه با دیگر مناطق کشور، اشاره کردند. از نظر آن ها، ساکنان مناطق دیگر (به ویژه مرکز نشینان) امکانات مناسبی برای زندگی در اختیار دارند، اما مرزنشینان از کمترین میزان رفاه، آموزش و ... محروم اند. داده های مرکز آمار ایران این نابرابری را نشان می دهند و هم زمان تحقیقات بسیاری مانند آقاجانیان، ۱۹۸۳، سلیمانی و محمدپور، ۲۰۱۹ و مروتی، ۱۳۹۹ هم این نابرابری را تأیید می کنند. دیگر اینکه، زندگی در مناطق مرزی، با تحقیر و احساس خودکم بینی ساکنان همراه است که به «داغ و نشان منطقه» تعبیر می شود. از نظر پاسخگویان، نابرخورداری از امکانات و خدمات اساسی، از قبیل خدمات بهداشتی، آموزشی و ... بر وابستگی مرزنشینان به مناطق دیگر افزوده است و باعث شده است که آن ها، از دید ساکنان مناطق مرکزی کشور، دیگری شمرده شوند و احساس درحاشیه بودن و دوری از مرکز توجه در آنان پررنگ شود.

«فرهاد»، کولبر ۲۳ ساله، درباره بی اعتنایی مسئولان به مرزنشینان می گوید:

«تقاضا دارم از مسئولان مملکت ما را هم به حساب بیاورند. ما خودمان به تنهایی اصلاً نمی توانیم از این وضعیت فلاکت بارمان خلاص بشویم، بلکه تنها با کمک دولت و ارگان های مسئول می توانیم نجات پیدا کنیم».

«مبین» درباره فقدان امکانات آموزشی برای جوانان، ناامیدی آنان از آینده، و طرد شدن و

به حاشیه رانده شدن آنان می گوید:

«به دلیل عدم دسترسی جوانان به امکانات آموزشی و رفاهی، متأسفانه، بعضی از جوانان ما به حال و روز خود فکر می کنند، و وقتی به بن بست می رسند، یا به سمت مواد مخدر و مشروبات الکلی می روند، یا خودکشی می کنند».

«قادر»، کولبر ۱۸ساله، درباره فراموش شدن مرزنشینان و کارسازنبودن بخش نامه‌های دولتی

می‌گوید:

«هیچ‌کدام از بخش‌نامه‌های دولت در راستای حمایت از کولبران، از قبیل سامان‌دهی معابر،

بیمه و... اجرا نشده و همه در حد شعار باقی مانده است».

جدول ۲. خلاصه عبارات، مفاهیم و مقوله‌های مربوط به علل پیدایش کولبری در مناطق مرزی

ردیف	عبارات	مفاهیم	مقولات
۱	عامل اساسی روی آوردن ما به کولبری بیکاری هست- باید بگم دلیل اصلی روی آوردن مردم مرزنشین بانه به کولبری، فقر و نداری- در نبود شغل‌های مناسب در منطقه اکثر مردم ساکن در روستاهای مرزی و شهر بانه مجبور به کولبری می‌باشند- عدم وجود آزادی مردم در انتخاب شغل- کاری نیست که بگی یک جوان با آن مشغول خواهد شد، یا باید قاچاقچی باشی، یا باید کارگر باشی یا کولبر- کسی دوست ندارد زندگیش در این کوه و شاخ‌ها باشد؛ همه ما مجبوریم- اینکه ما کولبری می‌کنیم هیچ چاره‌ای نداریم.	بیکاری فقر شدید تنها راه معیشت عدم وجود تنوع شغلی اجبار در انتخاب	فقر اقتصادی و نبود منبع درآمد جایگزین
۲	مرزی بودن هم شرایط اقتصادی را تغییر داده است و نگاه دولت هم به این منطقه همراه با تبعیض هست- کولبری اجباری هست که از سوی دولت به ما القا شده است- چرا در مرز بندر گناوه این لوازم آزاد هست و به راحتی وارد می‌شود، گمرک شده و فروخته می‌شود اما اینجا ما یک کول می‌آوریم، قاچاق کردیم- اگر این وسایل قاچاق هستند باید در هر جای ایران قاچاق باشد و یک نوع برخورد برای آن داشته باشن نه اینکه تبعیض قائل شوند- انگار عمدی ما را به اینچنین روزی گرفتار نموده‌اند- تصور کن ما سنی‌ها در کردستان کولبری داریم، در سیستان و بلوچستان هم دوش‌بری داریم- نیروهای استخدام شده در شهرهای مرزی اغلب غیر بومی می‌باشند- انگار به چیزایی پشت پرده هست که نمی‌گذارند مردم ما ثروتمند شوند- ذهن مردم را محدود به تامین معاش روزانه نمایند و شاکر باشند به همان لقمه نانی که کسب می‌کنند.	احساس نابرابری احساس تبعیض قومی- مذهبی رفتار تبعیض‌آمیز حاکمان غیربومی بودن نیروهای دولتی عدم توجه به عدالت	احساس تبعیض ساختاری



## ادامه جدول ۲. خلاصه عبارات، مفاهیم و مقوله‌های مربوط به علل پیدایش کولبری در مناطق مرزی

ردیف	عبارات	مفاهیم	مقولات
۳	ضعف امکانات خدماتی و رفاهی مناطق مرزی باعث روی آوردن مردم به کولبری شده است- امکانات منطقه مرزی به نسبت جاهای دیگر خیلی کم است و همین باعث شده تا مردم کولبری کنند- در صورت توسعه زیرساختی و توجه به ظرفیت‌های مناطق مرزی می توان انتظار داشت که در آینده مناطق مرزی غرب کشور نیز همچون سایر مناطق کشور توسعه یابد- در شهرستان بانه هیچ‌گونه کارگاه و کارخانه صنعتی و تولیدی ندارد- بجای این بازارچه‌ها ای کاش کارخانه‌ای، صنعتی چیزی برای ما ایجاد می‌کردند- گردشگری هم زیرساخت می‌خواهد، ما در کردستان دو تا جاده امن نداریم- حتی بعضی از مسافران به خاطر بد بودن وضعیت راه‌ها حاضر نیستند وارد کردستان به خصوص شهرهای مرزی شوند- تمام شهرهای مرزی از جمله مریوان، بانه، سردشت و ... از نظر کشاورزی ضعیف می‌باشند- موقعیت کوهستانی منطقه نیز یکی از عوامل تاثیرگذار بر کاهش فعالیت کشاورزی در اینجا می‌باشد.	محیط سخت و کم‌بازده ضعف اشتغال کشاورزی ضعف اشتغال صنعتی ضعف اشتغال گردشگری	جبر محیطی و ضعف اشتغال صنعتی، کشاورزی و گردشگری
۴	ایجاد مرزهای جدید بعد از فروپاشی امپراتوری عثمانی- به رسمیت نشناختن مرزهای سیاسی از سوی مردم- جدا شدن مردم دارای قرابت‌های فرهنگی و اجتماعی از همدیگر- اولویت داشتن تقسیمات سیاسی بر فرهنگی در کشور- اعمال نگاه امنیتی به مناطق مرزی- معامله خاک و سرزمین گُردها- محدود شدن رفت‌وآمد مردم به واسطه تدابیر شدید امنیتی- حفر کانال و تجهیز برجک‌های نظامی به دوربین مادون قرمز و حرارتی.	مرزکشی و دیوارکشی جدا نمودن مردم دارای فرهنگ مشترک از هم کنترل شدید مرزی حفر کانال و برجک‌های نظامی	بازتولید جبری مرز
۵	اکثر نیازمندی‌های مردم ما در مناطق مرزی از بودجه و امکانات دولتی تامین نمی‌شود- بیشتر مردم فقیر ما به خود تکیه کرده‌اند و با کمک گرفتن از انجمن‌ها و موسسات خیریه مشکلات خود را رفع می‌کنند- چندین بار به بهزیستی و کمیته مراجعه کرده‌ام که تحت پوشش قرار دهند، اما هیچ جوابی نمی‌دهند- ۲ سال پیش ۱۲۰ هزار تومان بابت کول آوردن می‌گرفتی موقع می‌تونستی ۳ کیسه برنج بگیری اما الان چه!- الان ۴۰۰ تومان هم میدن ولی به زور یک کیسه برنج میتونی بخری؛ تورم و گرانی مردم را بیچار کرده است- در زمان انتخابات برای جلب نظر مردم و تشویق به انتخابات مداوم کاندیداها روستا به روستا می‌گردند و به مردم وعده می‌دهند- ما چوب بی‌تدبیری مسئولان را می‌خوریم.	عدم توجه کافی دولت به خواست‌ها و نیازهای فقرا حمایت محدود دولت از فقرا کاهش قدرت خرید فقرا تورم افسارگسیخته سیاست‌های تبلیغی دروغین بی‌تدبیری مسئولان	عقب‌نشینی دولت در حمایت از فقرا

ادامه جدول ۲. خلاصه عبارات، مفاهیم و مقوله‌های مربوط به علل پیدایش کولبری در مناطق مرزی

ردیف	عبارات	مفاهیم	مقولات
۶	خیلی از تاجرانی که بار می‌آورند، اهل بانه نیستند، فغط برای تحویل بارشان می‌آیند، من نمی‌دانم اینها به کدام رانت متصل هستند- هزار تا بهانه بهش گرفتن در آخر بهش گفتن پارتی نداری وضعت از این بهتر نخواهد شد- موقع پیله‌وری بعضی از مردم پول‌های خوبی به دست آوردند اما پشت پرده، مردم دست رانت و رانت‌بازی را نمی‌دیدند- اینطور بگم که در اصل منفعت اصلی کولبری فقط به نزدیکان دولت و رانت دولت می‌رسید- بازارچه‌های مرزی برای مردم فقیر و بی‌پول هیچ سودی دربرنداشت- سرمایه‌داران و صاحب‌بارها سودهای کلانی کسب میکنند اما ما قسمت‌مون همین حمالی و بدبختی هست چون به جایی وصل نیستیم- کولبر هیچ‌گونه منفعت درازمدتی نصیبش نمی‌شود بلکه تشکیلات سیاسی و دولتی با ایجاد رانت و واسطه از این تجارت سود کسب می‌کنند.	رانت اقتصادی فرمانطقه‌ای نیاز به رانت و پارتی‌بازی در دستیابی به اشتغال اهمیت رانت مرزی کنترل رانت بازارچه‌های مرزی شکل‌گیری شبکه رانتهی تبعیض‌آمیز و حذف فقرا	رایج شدن سرمایه‌داری رانتیر در نبود سرمایه‌داری صنعتی
۷	دوری از مرکز- زندگی در مرز و مرزی بودن بانه- احساس طردشدگی- بی‌توجهی مسئولان به توسعه مناطق مرزی- بی‌انگیزگی مرزنشینان برای تغییر جایگاه اجتماعی- ناامیدی جوانان از آینده- داغ و نشان منطقه- عدم حمایت اجتماعی از مرزنشینان.	دوری از مرکز احساس طردشدگی	احساس طرد اقتصادی و فرهنگی

### بحث و نتیجه‌گیری

در پژوهش حاضر، کولبری به عنوان مصداق فقر و محرومیت اقتصادی- اجتماعی تعریف گردید. کولبر، به عنوان فردی فقیر، محروم و رنجور از اجتماع تعریف شده که با شرایط زندگی سختی دست و پنجه نرم می‌کند. درآمد ناکافی، دستمزد پایین، مقطعی و فصلی بودن کار کولبری، عدم تامین نیازهای اساسی، زندگی بخور و نمیر و تلاش برای بدست آوردن حداقل درآمد از مفاهیمی است که کولبران بدان اشاره نموده‌اند. بر اساس این مفاهیم، می‌توان استدلال نمود که کولبران نوعی از فقر مادی شدید و عدم توان در برآورده نمودن نیازهای اساسی خود و خانواده‌شان را به دلیل شرایط کاری، سختی‌ها و مشکلات آن تجربه می‌نمایند. اگر دو مفهوم فقر مطلق و نسبی را در نظر بگیریم، اولی به معنای محرومیت یا ناتوانی در کسب حداقل نیازهای اساسی از قبیل خوراک، پوشاک و مسکن برای ادامه زندگی می‌باشد. کولبران این نوع فقر مطلق

را تجربه نموده و با آن درگیر می‌باشند. اگر متوسط خط فقر در ایران را بر اساس داده‌های مرکز پژوهش‌های مجلس که آن را ۴/۵ میلیون تومان برآورد نموده‌اند، در نظر بگیریم و درآمد کولبران که توسط خودشان اعلام گردیده است، مبلغی حدود ۱/۵ تا ۲ میلیون تومان در نظر بگیریم و ناپایداری آن را به این مبلغ اضافه نمائیم، علاوه بر اثبات فقر مطلق، فقر نسبی آنان نیز نسبت به متوسط جامعه تأیید می‌گردد.

بر اساس نظر آمارتیا سن (۱۳۹۴)، فقر درآمدی نمی‌تواند تصویری جامع از فقر در جامعه را نشان دهد. این تعریف از فقر نمی‌تواند بیانگر تمام ابعاد آن باشد. بر همین اساس، فقر قابلیت توسط این اندیشمند به کار گرفته شده که به معنی توان افراد در انتخاب وضعیت اقتصادی- اجتماعی خود است. به عبارت دیگر، وضعیت اقتصادی- اجتماعی فرد باید حاصل انتخاب آزادانه وی باشد. در مفهوم فقر قابلیت، آزادی نقش برجسته‌ای دارد و به معنی فرصت واقعی برای تحقق آنچه برای من ارزشمند است، می‌باشد. بر این اساس، کولبران نیز فقر قابلیت، جبر در انتخاب، عدم شکوفاسازی استعدادها، عدم توانایی خروج از فقر و جبر محیطی را از ویژگی‌های خود می‌دانند. این زیست اقتصادی سخت و خشن کولبران، با رنج اجتماعی و طرد اجتماعی آنان همراه شده است. مفاهیمی از قبیل فقدان حمایت اجتماعی، فاصله گرفتن از جمع، خودمحروم‌سازی، ترور شخصیتی، احساس شرمساری به بخشی از زندگی هر روزه کولبران و خانواده‌هایشان تبدیل شده است که این بخش از تجربه آنان با مفهوم طرد اجتماعی بلیک مور (۱۳۸۵) و سیلور (۱۹۹۴) مترادف می‌باشد. از دید متفکران مذکور، طرد فرآیندی است که در نتیجه آن، افراد و گروه‌های اجتماعی از اجتماع به حاشیه رانده می‌شوند؛ وضعیتی که با زندگی هر روزه کولبران قرین شده است. بر اساس نتایج حاصل از پژوهش و مفاهیم استخراج شده، کولبران، فقر درآمدی مفرط، عدم امنیت شغلی، ناتوانی در برآورده نمودن نیازهای اساسی، اجبار در انتخاب شغل و طرد اجتماعی را به صورت همزمان تجربه نموده‌اند، تجربه‌ای که همراه است با داغ ننگ و رنج مضاعف.

همان‌طور که می‌دانیم، هر پدیده اجتماعی محصول شرایط علی، زمینه‌ای و مداخله‌گر خاصی است. پدیده کولبری هم به واسطه غالب بودن شرایطی خاص در مناطق مرزی غرب کشور برساخت شده است. افراد به دلیل زندگی در مناطق جغرافیایی مختلف، نوع اقتصاد حاکم بر منطقه، میزان برخورداری از امکانات رفاهی- معیشتی، تفاوت‌های مذهبی- قومی و بسیاری از

عوامل دیگر، ممکن است از هم تفکیک شوند. امروزه، تسلط اندیشه نئولیبرال و برساخت فضای نابرابر در جهان، در غالب نمودن عوامل فوق و تولید و بازتولید فقر و فرودستی نقش به‌سزایی ایفا نموده است. در ایران نیز رواج نئولیبرالیسم و پیروی از الگوی تمرکزگرایی اقتصادی-سیاسی از زمان تشکیل دولت ملی تاکنون، تمام شاخص‌های اقتصادی-اجتماعی مناطق مرزی را با توسعه‌نیافتگی و نابرابری روزافزون همراه نموده است. به‌دنبال منطق تمرکزگرایی در اقتصاد و سیاست و حرکت از مرکز به حاشیه، فقر، بیکاری، نابرابری و تفاوت حاصل از دیالکتیک مرکزیت افزایش می‌یابد. داده‌های مرکز آمار ایران و پژوهش‌های گسترده پژوهشگرانی از قبیل فیض‌آبادی و ملکی، ۱۳۹۴: ۷۷-۷۸؛ محمودی، ۱۳۷۰؛ علیقی، ۱۳۷۸؛ آفاجانیان، ۱۹۸۳، استان کردستان را در رتبه‌های پایین توسعه‌یافتگی (رتبه ۲۹ در بین ۳۱ استان کشور) اقتصادی-اجتماعی و بحران کیفیت زندگی قرار داده‌اند. در این پژوهش، پژوهشگر با استفاده از روش قوم‌نگاری انتقادی به تشریح عوامل مؤثر بر پیدایش پدیده کولبری به عنوان نمود عینی فقر و پیامدهای آن از منظر درک و تجربه کنشگران محلی شهرستان‌های مرزی بانه و مریوان پرداخته است.

یکی از نظریه‌هایی که توانست فقر و توسعه‌نیافتگی مناطق مرزی و شکل‌گیری پدیده کولبری را به بهترین وجه توصیف کند، نظریه سیاسی-فضایی فقر بود که در هیچ‌یک از پژوهش‌های تجربی مرتبط با مرز و زندگی در مناطق مرزی بررسی نشده است؛ زیرا اکثر پژوهش‌های گذشته خارجی (مولنار، ۲۰۰۵؛ بوجان و همکاران، ۲۰۱۷؛ برگمن و همکاران، ۲۰۰۸؛ هیرشنر، ۲۰۱۶؛ نکورویی، ۲۰۱۵؛ سیکدر و سرکار، ۲۰۰۵؛ آسته، ۲۰۱۲؛ موتانی، ۲۰۱۳) و داخلی (سلطانیان و مفاخری باشماق، ۱۳۹۸؛ قادری حاجت و همکاران، ۱۳۸۹؛ اسماعیل‌زاده، ۱۳۸۷؛ محمودی، ۱۳۸۱؛ شرافت و یاری، ۱۳۹۱؛ باینگانی، ۱۳۹۴ و عبده‌زاده، ۱۳۹۲) صرفاً به بررسی معیشت و رفاه کنشگران اکتفا کرده‌اند. این نظریه، ترکیبی از نظریات و مفاهیم لوفور، هشر و آگامبن، با عناوین «دیالکتیک مرکزیت»، «فضای تولیدشده»، «استعمار داخلی»، و «وضعیت استثنائی» است.

تجربه زیسته کولبران ترکیبی از فقر، احساس نیاز، طردشدگی، نابرابری و... است که به بازتولید وضعیت زیستی خاص و تعریف خاص از آن منجر شده است. فقر اقتصادی و نبود منبع درآمد جایگزین، جبر محیطی و اشتغال ضعیف کشاورزی، صنعت و گردشگری، درکنار

عامل بازتولید جبری مرز و احساس تبعیض ساختاری مرزنشینان را به کولبری واداشته است. این امر، دقیقاً بعد از پذیرش نئولیبرالیسم توسط دولت‌های اقتدارگرای مدرن و قطع حمایت از قشرهای حاشیه‌نشین و ضعیف جامعه، تشدید شد. مطابق تحلیل لوفور، دولت‌های اقتدارگرا، با پذیرش نئولیبرالیسم، از کارکردهای بازتوزیعی خود فاصله گرفته و روزه‌روز بر نابرابری و فاصله طبقاتی افزوده‌اند. در نتیجه این وضعیت، مناطق حاشیه‌ای، به‌ویژه مرزها، از حمایت دولت و نیز توسعه محروم مانده و گرفتار فقر تاریخی شده‌اند. مطابق نظر آگامبن، مرزنشینان، خصوصاً کولبران، در وضعیتی استثنائی قرار گرفته‌اند که به‌موجب آن، از دسترسی قانونی به خدمات اساسی منع شده و از حقوق مسلم خود، از جمله استفاده از مرز، نیز محروم مانده‌اند.

عامل اساسی دیگر در بر ساخت کولبری، گسترش سرمایه‌داری رانتیر مرزی به‌واسطه رونق تجارت مرزی تحت تأثیر نیروهای بازار آزاد آن‌سوی مرزها و تأسیس بازارچه‌های رسمی و غیررسمی در مرزهای غرب کشور است که زمینه نئولیبرالیسم حامی پروانه را فراهم آورده است و مهم‌ترین عامل گسترش فقر در مناطق مرزی کردستان تلقی می‌شود؛ زیرا اقتصاد رانتی عده محدودی از افراد وابسته به رانت را، به‌منزله خرده‌بورژوا یا نوکیسه‌های مرزنشین و غیرمرزنشین، فربه می‌کند و دیگران از جمله کولبران فقیر را در خدمت تأمین منافع آنان نگه می‌دارد. احساس طرد اقتصادی- فرهنگی مقوله مهم دیگر در رواج کولبری در شهرستان بانه قلمداد شده است. علاوه بر سرمایه اقتصادی، سرمایه اجتماعی و فرهنگی نیز در توسعه جامعه اهمیت دارد. این سرمایه در مناطق مرزی دچار فرسایش شده است. در دوره‌های تاریخی گوناگون، مرزنشینان ایران، عمدتاً، جماعت‌هایی بوده‌اند که در قلمرو معینی آزاد به‌شمار آمده‌اند و همواره برای دفاع از سرزمین خود و مقابله با بیگانگان خطر کرده‌اند، اما به‌واسطه سیاست‌های توسعه‌ای نابرابر، پیوسته، در معرض سوءظن قرار گرفته و با جنبه‌های منفی ارزیابی شده‌اند. مفهوم مربوط به این موضوع، به تعبیر نارایان و همکاران، «داغ و نشان منطقه» است؛ بدین معنی که ساکنان مناطق دورافتاده یا به‌حاشیه‌رانده شده، نه تنها از فرصت‌ها محروم می‌شوند، بلکه به‌خاطر منطقه‌ای که در آن زندگی می‌کنند، فراموش خواهند شد.

پیشنهاد اصلی پژوهش حاضر این است که دولت از طریق سرمایه‌گذاری در بخش صنعت و تقویت زیرساخت‌های اقتصادی-رفاهی، ضمن جذب سرمایه‌گذاران خارجی و داخلی، مناطق مرزی را به گذرگاهی صادراتی تبدیل کند. دولت با بازبینی و توجه به نقش بازتوزیع‌گر خود،

بایستی برای تقسیم عادلانه ثروت و منابع در مناطق مرکزی و حاشیه‌ای بکوشد. باتوجه به اهمیت سرمایه اجتماعی- فرهنگی در توسعه منطقه‌ای و محلی، لازم است نیروهای انسانی کارآمد در بخش‌های گوناگون اقتصادی جذب شوند تا از گسترش روزافزون اقتصاد رانتی و مشاغل کاذبی از قبیل کولبری در مناطق مرزی کشور کاسته شود.

### منابع

- اسماعیل‌زاده، خالد (۱۳۸۷). بررسی جایگاه بازارچه‌های مشترک مرزی در وضعیت رفاهی مرزنشینان، مطالعه موردی: بازارچه‌های مرزی سردشت و پیرانشهر، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران.
- امیرپناهی، محمد (۱۳۹۳). ساخت اجتماعی بازار: تحلیل جامعه‌شناختی پیدایش بازار، با تأکید بر بازار بانه، رساله دکتری، رشته جامعه‌شناسی توسعه اجتماعی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران.
- آگامین، جورجو (۱۳۹۷). وضعیت استثنائی، ترجمه پویا ایمانی، تهران: نشر نی، چاپ سوم.
- باینگانی، بهمن (۱۳۹۴). مطالعه جامعه‌شناختی تغییرات اقتصادی و پیامدهای فرهنگی در مناطق کردنشین، رساله دکتری، رشته جامعه‌شناسی نظری-فرهنگی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران.
- برگر، پینزال؛ لاکمن، توماس (۱۳۹۲). ساخت اجتماعی واقعیت. ترجمه فریبرز مجیدی، انتشارات علمی و فرهنگی، پاییز ۱۳۹۲.
- برنر، نیل (۱۳۹۶). نقد هانری لوفور بر تولیدگرایی دولتی، در مجموعه مقالات: فضا، تفاوت، زندگی روزمره، ترجمه افشین خاکباز و محمد فاضلی، تهران: انتشارات تپسا، صص ۳۳۶-۳۱۵.
- بلیک‌مور، کن (۱۳۸۵). مقدمه‌ای بر سیاست‌گذاری اجتماعی، ترجمه: سعید صادقی جقه و علی‌اصغر سعیدی، تهران: مؤسسه عالی پژوهش تامین اجتماعی، چاپ اول.
- پیران، پرویز (۱۳۷۰). دیدگاه‌های نظری در جامعه‌شناسی شهر و شهرنشینی: تحولات واحد پول ایران و نرخ برابری، اطلاعات سیاسی-اقتصادی، شماره ۵۰ و ۵۱، صص ۸۱-۷۵.
- چمبرز، رابرت (۱۳۸۷). توسعه روستایی: اولویت‌بخشی به فقرای روستایی، ترجمه مصطفی ازکیا، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، چاپ دوم.
- دشنر، گونتر (۲۰۱۱). کرد ملت بی‌دولت، ترجمه کمال‌الدین محمدی، اربیل: انتشارات آراس.
- ذکایی، محمدسعید؛ نوری، آرام (۱۳۹۴). زندگی در مناطق مرزی: مطالعه پدیدارشناختی مرزنشینان شهر نوسود، جامعه‌پژوهی فرهنگی، سال ششم، شماره ۴، صص ۱۵۱-۱۱۹.

سن، آمارتیا (۱۳۹۴). توسعه یعنی آزادی، ترجمه محمدسعید نوری نائینی، تهران: نشر نی، چاپ ششم.  
سلطانیان، شریف؛ جمیل مفاخری، باشماق (۱۳۹۸). شناسایی شرایط علی تأثیرگذار بر توسعه اقتصاد  
مرزی (مورد مطالعه: استان کردستان)، *جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه*، سال هشتم، شماره ۲:  
صص ۲۷۹-۳۱۰.

سلیمانی، کمال؛ محمدپور، احمد (۲۰۱۹). *زندگی و کار بر لبه استعمار داخلی: اقتصاد سیاسی کولبری در  
روژه‌ل‌ات*، ترجمه: خوشناو قاضی، نمایه شده در: [wileyonlinelibrary.com/journal/bjos](http://wileyonlinelibrary.com/journal/bjos)  
شاهمیری، آزاده (۱۳۸۹). *نظریه و نقد پس‌استعماری*، تهران: نشر علم.

شرافت، سجاده؛ یاری، مجید (۱۳۹۱). نقش بازارچه‌های مرزی در توسعه روستایی مناطق مرزی  
(مورد مطالعه: بازارچه مرزی مهران)، *همایش ملی شهرهای مرزی و امنیت: چالش‌ها و  
رهیافت‌ها*، دانشگاه سیستان و بلوچستان.

صادقی، علیرضا (۱۳۹۷). *زندگی روزمره تهی‌دستان شهری*، تهران: نشر آگاه.  
عبدهزاده، سیروان (۱۳۹۲). *بررسی تأثیر بازارچه‌های مرزی بر کیفیت زندگی روستاییان مرزنشین*، مورد  
مطالعه: *بازارچه‌های روستاهای مرزی شهرستان مریوان*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم  
اجتماعی، دانشگاه تهران.

علینقی، امیرحسین (۱۳۷۸). داده‌هایی از عدم تعادل در جامعه ایران؛ استان‌های مرزی، *مطالعات راهبردی*،  
شماره ۵ و ۶، صص ۱۵۶-۱۲۷.

عنبری، موسی (۱۳۹۰). *جامعه‌شناسی توسعه: از اقتصاد تا فرهنگ*، تهران: انتشارات سمت.  
فیض‌آبادی، یاسر؛ ملکی، فاطمه (۱۳۹۴). بررسی و مقایسه توسعه‌یافتگی مناطق روستایی استان‌های  
ایران، *پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصاد روستایی و کشاورزی*، دوره اول، شماره ۱، صص ۸۲-  
۷۱.

قادری حاجت، مصطفی و همکاران (۱۳۸۹). تبیین نقش بازارچه‌های مرزی در امنیت و توسعه پایدار  
نواحی پیرامون، مطالعه موردی: بازارچه‌های مرزی استان خراسان جنوبی، *ژئوپولیتیک*، سال  
ششم، شماره ۳، صص ۱۵۱-۱۲۱.

کرسول، جان (۱۳۹۶). *پویش کیفی و طرح پژوهش*، ترجمه حسن دانایی‌فرد و حسین کاظمی، تهران:  
گنج شایگان، چاپ سوم.

گاندینر، مارک (۱۳۹۶). *مارکس زمان ما: هانری لوفور و تولید فضا*، در کتاب درآمدی بر تولید فضای  
هانری لوفور، گردآوری و ترجمه: آیدین ترکمه، تهران: انتشارات تیسرا، چاپ دوم.

- محمودی، محمدجواد (۱۳۷۰). نابرابری‌های صنعتی در استان‌های مختلف ایران، *تحقیقات اقتصادی*، دوره پنجم، شماره ۴۳، صص ۱۰۲-۸۵.
- محمودی، علی (۱۳۸۱). بررسی موانع و مشکلات بازارچه‌های مرزی، *مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی*، شماره ۱۳ و ۱۰، صص ۶۲-۵۳.
- مرکز آمار ایران (۱۳۹۶). *طرح آمارگیری نیروی کار*، قابل دسترسی در سایت مرکز آمار ایران: [www.amar.org.ir](http://www.amar.org.ir)
- مروتی، نادر (۱۳۹۹). *میزان توسعه‌یافتگی و تفاوت رفاه ذهنی و عینی مطالعه دو استان کردستان و سمنان*، پایان نامه دکتری رفاه دانشگاه علامه طباطبایی.
- نارایان، دیپا و همکاران (۱۳۹۰). *صدای فقرا: فریاد برای تغییر (پیامدهای توسعه)*، ترجمه مصطفی ازکیا و جمال رحمتی‌پور، تهران: انتشارات کیهان.
- لوفور، هانری (۱۳۹۵). *درآمدی بر تولید فضای هانری لوفور*، گردآوری و ترجمه آیدین تراکمه، تهران: نشر تیسرا.
- ولی، عباس (۱۳۹۷). *سکوت روزه‌لالت، نقد اقتصاد سیاسی*.

- Aghajanian, Akbar (1983). Ethnic Inequality In Iran: An Overview. Faculty Working Papers. 13. <http://digitalcommons.uncfu.edu/soci/13>.
- Asante, C.W (2012). Unraveling the health-related challenges of women in the informal economy: accounts of women in cross-border trading in Accra, Ghana. *Geojournal*. <http://197.255.68.203/handle/123456789/2499>.
- Baratz, Morton S. Grigsby, William G (1971). Thoughts on poverty and its elimination, *Journal of Social Policy* 1(2): 119-134.
- Bergmann, Christoph; Gerwin, Martin; Nüsser, Marcus & Sax, William S (2008). Living in a High Mountain Border Region: the Case of the 'Bhotiyas' of the Indo-Chinese Border Region. *J. Mt. Sci.* 5: 209-217.
- Bojan, Dercan, Milka, Bubalo-Zivkovic, Milica, Solarevic, Dejan, sabic (2017). Living on the border: social indicators of life quality in Srem border region (Vojvodina, Serbia). *Geographica Pannonica* .Volume 21, Issue 1, 26-42 (March).
- Carspecken, F. P. (1996). *Critical Ethnography in Educational Research: A Theoretical and Practical Guide*, New York: Routledge.
- Castagno, Angelina E. (2012). What Makes Critical Ethnography "Critical"? , In *Qualitative Research: An Introduction to Methods and Designs*, Edited by Stephen D. Lapan, Marylenn T. Quartaroli & Frances Julia, Riemer, , San Francisco: Jossey-Bass.
- Coughlin, Christine (2012). An ethnographic study of main events during hospitalisation: perceptions of nurses and patients, *Journal of Clinical Nursing*, No, 10; pp: 1-11.
- Creswell, J. W. (2007). *Qualitative inquiry and research design: Choosing among five approaches* (2nd ed.), Thousand Oaks, CA: Sage.
- George, Victor (1988). *Wealth, Poverty and Starvation: A World Perspective*. Hemel Hempstead, Hertfordshire, England: Wheatsheaf Books.
- Hardcastle, M., Usher, K. and Holmes, C. (2006). "Carspecken's Five Stage Qualitative Research Method: An Application to Nursing Research", *Qualitative Health Research*, No 16(1): 151-161.



- Herchner, Daria (2016). Understanding perceptions on the U.S.-Mexico border: A narrative research into the Paso Del Norte northern region's inhabitants' understanding of their region and the influence of cross-border activities. Master thesis Human Geography, Master specialization: Europe: Borders, identities and governance Radboud University Nijmegen. Nijmegen School of Management.
- Hechter, Michael (1975). Internal Colonialism: The Celtic Fringe In British National Development, 1536-1966, University of California Press Berkeley and Los Angeles.
- Kabeer, N (2000). Social Exclusion, Poverty and Discrimination: Towards an Analytical Framework, IDS bulletin, 31 (4).
- Molnar, Judit (2005). Borders on the Map and In Peoples Lives, University of Misko lc.
- Mutoni, Mehrab (2013). Informal Cross-Border Trade of Agricultural Products between Rwanda and Burundi: A case study of female and male smallholder Traders of Bugesera District, Rwanda. Vanhall Larensten University of applied sciences netherland.
- Nkorozi, Isaac (2015). Assessing the Informal Cross Border Trade In Between Kenya and Uganda, A Research Project Submitted in Partial Fulfilment for the award of Degree of Masters of arts in international studies, at the Institute of Diplomacy and international studies, The University of Nairobi.
- Sikder, Mohammad Jalal Uddin & Sarkar, Buran Kumar (2005). Livelihoods and informal trade at the Bangladesh Border. In Inter-Asia cultural studies, vol. 6. Is. 3, pp: 432-445.
- Silver, Hilary (1994). Social Exclusion and Social Solidarity: Three Paradigms, International Labour Review. Vol. 133, 5,6, ABI/Information Global.
- Spicker, Paul (2015). Definitions of Poverty: twelve clusters of meanings. In <http://rszarf.ips.uw.edu.pl>.
- Thomas, J., (1993). Doing Critical Ethnography, Newbury Park: SAGE Publications.
- UNDP (2014). Human development report. N.Y: oxford university press.